

۷۸۶

**آموزش استخراجات**

**از کتاب جفر جامع**

**جلد (دوم)**

## بسم اللہ الرحمن الرحیم

### سخن آغازین

در جلد اول این کتاب به صورت کلی مباحثی را با شما در میان گذاشته و دو تمرین هم برای افزایش قدرت ذهن و دریافت روش چگونگی استخراج مستحصله جفر را به شما ارائه دادیم . حال در این کتاب به صورت تخصصی بحث را به شرح مستحصله اختصاص داده ایم تا در این زمینه هیچ مطلب گنگ و نامفهومی باقی نماند و شما به تمام اطلاعات مورد نیاز در این زمینه دست یافته باشید.

فهم درست مستحصله جفر و چگونگی استخراج حروف آن در مدت زمان کوتاهی شما را قادر خواهد ساخت که خود روشهایی را برای استخراج حروف مورد نظر ابداع کرده و در میدان عمل هم درستی آنها را به اثبات برسانید. مباحث این کتاب بسیار مهم بوده و از شما خواهش می کنم که با دقت ویژه ای آنها را مطالعه کنید.

## مقدمه کتاب

موضوع این کتاب مستحصله جفر است . درباره روش استخراج حروف مستحصله جفر در کتب بازاری مطالبی درج گردیده که اکثراً دور از واقعیت بوده و ارزش علمی ندارند . از آنجایی که ما علم جفر را بطور کامل در جفر پانزده سطری خود دنبال می کنیم ، لذا لازم است که شما دوست عزیز درباره مستحصله جفر هم همه واقعیت ها را بدانید . هرچند که همیشه بیان حقایق موجب بهتر شدن اوضاع نمی شود. برخی شاید با مطالعه این کتاب دچار افسردگی شوند. زیرا در ذهن خود فکر می کردند که مستحصله جفر یک فرمول مخفی ریاضی داشته و امیدوار بودند که عاقبت روزی به آن دست یابند. حال وقتی بدانند که چنین چیزی واقعیت ندارد مسلماً ناراحت می شوند.

استخراج مستحصله جفر در حقیقت نه سخت است نه آسان ، اگر خدا بخواهد برای شخص بسیار آسان خواهد بود و اگر هم به او اجازه ندهند عذاب خواهد کشید .هرچند بنده سعی می کنم این مطلب را به آسان ترین شکل توضیح دهم، اما می دانم که فهم آن به این راحتی ها میسر نمی شود .برای خود من سالها طول کشید تا این حقیقت را بپذیرم که فرمول جادویی وجود ندارد. اما آرزو می کنم شما به سرعت با این موضوع کنار بیایید.

در این کتاب ما تمام حقایق در رابطه با مستحصله جفر(بصورت کلی) و چگونگی استخراج حروف جواب را شرح خواهیم داد و شما بعد از اینکه آن را مطالعه کردید قادر خواهید بود تا روش مستحصله ی خاص خود را بسازید و با آن روش در طول زمان موفق به استخراج پاسخ های باور نکردنی شوید. انشاءالله . البته این نکته را هم لازم است توضیح دهم که در این کتاب یک روش خاص از مستحصله آموزش داده نمی شود ، زیرا امکان ندارد. چون مستحصله هر روش را باید در کتب شرح مستحصله اینجانب و قاعده آن تعلیم ببینید اما چیزی بالاتر از آن را به شما می آموزیم و آن چگونگی ساختن روش استخراج حروف مستحصله است. چیزیکه تا کنون نه در جایی شنیده و نه در کتابی آن را خوانده اید ما ساختار مستحصله را برای شما توضیح می دهیم تا بدانید در تمام قواعد جفر چگونه سطری به نام مستحصله ساخته شده و جواب استخراج می شود .به دست آوردن جواب از جفر در روشهای بنده بسیار آسان تر از روشهای دیگران است . کافی است شما با ایمان و اعتقاد تمام سیستم را پذیرفته و تمرینات خود را به درستی انجام دهید. انشاءالله به نتیجه هم خواهید رسید. حال دعوت می کنم مطالب اصلی کتاب را مطالعه فرمائید و برای شروع از خود لغت مستحصله آغاز می کنیم که ، مستحصله در اصل به چه معنی است؟

## مستحصله چیست؟

کلمه ( مستحصله ) یک واژه عربی بوده و به معنی چیزی است که حاصل شده و به دست آمده است. برخی از اساتید عرب جفر ، از آن به نام ( متحصله ) نام می برند . به عقیده بنده ، واژه زیاد مهم نیست . آن چیزی که در اینجا اهمیت دارد ، آن است که ما به شناخت روشن و کاملی در این باره دست یابیم . در این صورت هر مشکلی آسان می شود.

کسانی که به دنبال جفر هستند ولی ان را اشتباهی جست و جو می کنند وقتی به مستحصله جفر می رسند چون درباره آن شناخت کافی ندارند یا آگاهی های غلطی به آنها داده شده ( مثل اینکه ، جفر دارای یک فرمول ریاضی مخفی است ) در این مرحله به مشکل برخوردده و در فهم و درک و چگونگی استخراج حروف مستحصله چنان عاجز می مانند که از مستحصله ( به مستاصله ) درماندگی تعبیر می کنند. درحالی که اگر از مکانیسم عمل به درستی خبر داشتند ، در عین حالی که بازهم آن را سخت می یافتند اما حداقل از چگونگی آن آگاه شده و از راه و روش درستی آن را دنبال می کردند و در نهایت به اندازه تلاش و کوششی که به خرج می دادند به نتیجه هم می رسیدند، همانطور که دوستانی که هم اکنون با بنده کار می کنند به نتایج خیلی خوبی در این زمینه رسیده و می رسند.

در طی چندین سالی که بنده به صورت تخصصی با علم جفر کار می کنم ، هیچ چیزی به اندازه عدم درک و شناخت درست اکثریت مراجعینم از این علم مرا آزار نداده است . اگر بگوییم از هر صد نفری که باینده در رابطه با جفر تماس می گیرند بیشتر از هشتاد نفر آنها دارای شناخت غلطی در این رابطه هستند اغراق نکرده ام . این شناخت غلط در درجه اولو بیشتر از هرکسی ، خود آنها را آزار می دهد .

زیرا وقتی ما در بیابان بدون آب به دنبال چشمه آب بگردیم خودمان را آزار می دهیم. درباره جفر هم همینطور است و بدتر از آن این است که فرد روی شناخت غلط خود هم تعصب داشته باشد. این تعصب باعث می شود تا چشمان ما برای دیدن حقیقت بسته شود، تعصب باعث می شود تا گوشهای ما بسته شده و حرف حق را نشنویم و بالاخره اینکه ، تعصب ما را از شاهراه حقیقت دور می کند. من در این کتاب ، تمام حقایق درباره مستحصله و استخراج حروف جواب در علم جفر را برای شما فاش می کنم تا شما ، زجری را که بنده کشیدم و خیلی های دیگر، در حال حاضر متحمل آن می شوند ، تحمل نکنید و از بهترین و ساده ترین و سریع ترین راه به مقصد برسید، البته اگر خدا بخواهد، که انشاءالله اینگونه هم خواهد شد. پس اجازه بدهید مطلب را از جایی آغاز کنیم که نقطه شروع است.

نکته : مطلبی که از این به بعد مطالعه خواهید نمود حقانیت و درستی شان در طول سالهای متوالی برای بنده به اثبات رسیده، اما در عین حال هرگز اصرار ندارم که شما هم بلافاصله آنها را بپذیرید. بلکه برعکس اولاً خوشحال می شوم که اگر کسی عقیده ای متقن و محکم برخلاف گفته های بنده دارد به این حقیر بگوید و آن را بیان کند، ثانیاً شما را توصیه به این می کنم که در این باره تحقیق و مطالعه کنید و عمداً سعی کنید چیزی بر خلاف نظریات حقیر بیابید. آخر سر مشخص می شود که آیا این مطالب صحیح است یا خیر؟ اگر صحیح بود آن را می پذیرید و اگر نبود حقیقت را یافته اید و به ما هم بیاموزید. پس در اینجا هیچ تعصبی روی درست بودن مطالب وجود ندارد.

اما برای شخص من درستی آنها اثبات شده ، زیرا براساس همین نظریات است که از جفر طرح سوال نموده و جواب استخراج می کنم . اگر این نظریات درست نبودند که ما هرگز نمی توانستیم به حقیقت رسیده و الان این مطلب را درباره مستحصله جفر برای شما بنویسیم.

جواب هر سوالی پیش از طرح آن خلق شده است

تمام مطلبی که بنده می خواهم برای شما شرح بدهم، همین جمله ای است که عنوان این صفحه را تشکیل می دهد. البته می دانم که همین الان ذهن باهوش خیلی ها متوجه بحثهای جبر و اختیار شده و بلافاصله از خودشان می پرسند: اگر پاسخ سوالی از قبل آماده است، یعنی ما در انجام هیچ کاری از خود اختیاری نداریم، پس اگر این مطلب درست باشد، دیگر عذاب و ثواب معنی ندارد. اگر این کتاب یک کتاب فلسفی بود، بنده با کمال میل حاضر بودم صدها صفحه درباره مسئله جبر و اختیار برای شما مطلب بنویسم و به لطف خدا در این زمینه به اندازه خود توانا هستم، اما چون موضوع ما مستحصله جفر است، به همین دلیل ترجیح می دهم به بحث خودمان ادامه دهیم.

در کتاب قبلی درباره صفحات جفر جامع توضیح دادیم و گفتیم که اگر درخانه های کتاب جفر جامع به جای ۴ حرف، هزاران حرف باشد (یعنی درهرخانه به جای چهار حرف مثلا ۱۱۱۱ هزاران الف باشد) بعد از اینکه خانه های بی معنی را تصفیه کنیم، باز میلیونها خانه باقی می ماند که در آنها جملاتی معنی دار وجود خواهد داشت و این جملات، پاسخ سوالهایی خواهد بود که قرار است صدها، هزارها و یا میلیونها سال بعد توسط جفاران طرح شود. پس در این کتاب، تمام سوالاتی که از وال پیدایش انسان ها تا روزقیامت مطرح شده و خواهد شد، به همراه جواب آنها وجود خواهد داشت. سوالاتی که پاسخ آنها از قبل معلوم و مشخص است. پس پیامبر خاتم (ص) باید نام مبارکش محمد باشد زیرا در این کتاب و در مقابل سوال پیامبر خاتم چه کسی است؟ نامب به جز (محمد) نوشته نشده است. پس هم اکنون تمام اتفاقات بقیه عمر ما در این کتاب با وضوح تمام و به دقت نوشته شده و ما راهی را طی می کنیم که قرار است برویم. اگر غیر از این بود، سوال و جواب در جفر امکان پذیر نبود. زیرا اگر قرار باشد امور در حال تغییر باشد، در این صورت چونه می توان درباره آن سوال کرد. این تئوری را می توانید با تک تک آیات قرآن درباره مقدرات الهی مطابقت دهید

مثلاً در قرآن مجید می فرماید: مرگ هر کسی مقدر شده و اجل هیچ کسی ثانیه ای به تقدیم و تاخر نخواهد افتاد. معنی این جمله چه می تواند باشد؟ به بیان دیگر وقتی ما سوال می کنیم که آیا فلانی نصیب از همسر دارد یا خیر؟ اگر جواب این سوال متغیر باشد، یعنی الان جواب چیزی باشد و ساعتی بعد چیز دیگر، آیا اصلاً این علم اعتباری دارد؟ در این صورت سوال و جواب از جفر چه فایده ای خواهد داشت؟ چه اعتمادی می توان به آنها کرد؟ این نکته بود که بنده را به این موضوع رهنما شد که، وقتی سوالی طرح می کنیم، جواب آن از قبل حاضر است و این جواب در جایی بی حرکت موجود و منتظر است، حال اگر ما بتوانیم به وسیله ای خود را به محل سکونت جواب برسانیم می توانیم از آن آگاه شویم. این مسئله را می توان به گونه ای دیگر نیز اثبات کرد و آن قضیه وضعیت ما در یک روز خاص از یک سال مشخص و در ماه و هفته ای معین همراه با ساعتی تعیین شده از شبانه روز است.

بعنوان مثال، شما پنج سال پیش، در چنین روز و ساعتی در کجا و چه می کردید؟ آیا بغیر این است که جواب شما به یک وضعیت خاص محدود می شود؟ به بیان دیگر، شما در آن روز و ساعات مشخص نمی توانستید همزمان در چندجا باشید. پنج سال بعد چطور؟ شما ۵ سال بعد در یک چنین روز و ساعتی در کجا بوده و چه خواهید کرد؟ آیا به جزاین است که در آن روز هم شما در یک جای خاص خواهید بود. حتی اگر شما در آن روز و ساعت سوار یک وسیله نقلیه هم که باشید، باز هم در یک دقیقه و ثانیه مشخص نمی توانید بیشتر از یکجا باشید؟ پس نتیجه می گیریم که پاسخ هر سوالی حتی قبل از اینکه آن سوال طرح شود وجود دارد. دانستن این مسئله باعث می شود روند استخراج جواب و همچنین ساختار آنها نیز یک سیر منطقی را طی کند. اگر جوابها در جفر از قبل وجود نداشته و ثابت نبود، در این صورت اگر چند جفار همزمان با هم درباره گذشته فردی سوال می کردند باید به جوابهای متفاوتی می رسیدند که ممکن بود یکی از آنها حقیقت داشته باشد یا هیچ



کدام، در این صورت آن پاسخها هیچ ارزشی نداشتند؛ زیرا شما در جفر سوال می کنید که پاسخ حقیقی دریافت کنید نه یک جواب دورغین یا ساختگی. آنوقت یک شخص معلوم الحالی می آید در وبلاگ خودش می نویسد: اگر در هر ساعتی از شبانه روز سوال طرح کنیم پاسخ متفاوتی به دست می آوریم. بعد نام خود را استاد جفر هم می گذارد.

برای استخراج در جواب جفر فرمولی وجود ندارد.

حال ممکن است در اینجا برای شما این مسئله مطرح شود که، اگر سوال و پاسخ آن ثابت بوده و از قبل در کتاب جفر جامع مضبوط است، پس باید فرمولی ریاضی برای رسیدن به آن وجود داشته باشد و ما بتوانیم با محاسبات آن را کشف کنیم. پاسخ این است که: متأسفانه فرمولی برای این کار وجود ندارد دلیل آن هم فقط یک چیز است: حفظ اسرار

زیرا اگر چنین فرمولی وجود داشت هرکسی می توانست با دست یافتن به آن فرمول درباره همه چیز که بخواهد سوال کرده و پاسخ استخراج کند؛ در این صورت درعالم هستی نه رازی باقی می ماند و نه دنیا جای سکونت بود؛ این مسئله برخلاف حکمت و عدالت خداوند متعال است که آفریننده جهان هستی است. اگر بر فرض محال چنین فرمولی وجود داشته باشد، مطمئناً فقط در دست پیامبران و اولیاء خدا قرار خواهد گرفت. استخراج جواب به واسطه الهام است و سرمنشا الهام نیز عالم غیب است و خداوند متعال هر کس را که صلاح بداند به این وادی وارد می کند و دیگران هر چقدر هم که باهوش بوده و از تمرکز فرک صددرصد و نبوغ برخوردار باشند نمی توانند به چنین مرحله ای برسند؛ اگر غیر از این بود، دانشمندان ریاضیدانان و نوابغ این علم باید در طول تاریخ راز آن را کشف می کردند. اما شما میدانید که تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده و هرگز هم روی نخواهد داد. بشر در حال حاضر ابرکامپیوترهایی ساخته است که محاسبات پیچیده ریاضی را در چند ثانیه انجام می دهند. حال اگر استخراج جواب در جفر به انجام محاسبات ریاضی بستگی داشت، در این صورت

کامپیوترها می توانستند آن را انجام داده و در روز به صدها هزار سوال پاسخ بدهند . اما آیا تاکنون چنین اتفاقی روی داده است؟ مسلماً خیر. در بخش بعدی شرح خواهیم داد که روند حقیقی استخراج جواب در جفر چگونه است.

### چگونگی استخراج جواب سوالات در جفر

اگر فرض کنیم که کامپیوتری وجود داشته باشد که بتواند پاسخ هر سوالی را بدهد ، در این صورت هر کسی که به آن وسیله دسترسی داشته باشد می تواند هر سوالی که بخواهد مطرح کرده و پاسخ آن را به دست بیاورد. حال اگر فرض کنیم که به جای این کامپیوتر ، شخصی درون مغز ما نشسته باشد و جواب تمام سوالات را بداند چطور، چگونه می توان از دانش این فرد استفاده کرد؟ آیا اصلاً چنین چیزی امکان پذیر است؟ در پاسخ باید بگوییم: بله چنین چیزی واقعیت دارد و نام آن فرد هم (ضمیر ناخودآگاه ) است . درون ما شعوری وجود دارد که از راز همه چیز با خبر است و پاسخ هر سوالی را می داند. اگر ما بتوانیم به او متصل شویم می توانیم هر سوالی را که از او بخواهیم بپرسیم و جوابی روشن و واضح دریافت کنیم .

منتهی در این جا دو شرط اساسی برای استفاده از این قدرت بیکران وجود دارد ۱- خداوند متعال اذن این کار را صادر فرماید ۲- شخص از تمرکز فکر خوبی برخوردار بوده و راه دستیابی به جواب آن را به درستی طی کند.

این دو شرط اساسی برای موفقیت در این علم است و بقیه مسائل ، فرعیات آن را تشکیل می دهد اگر ما روندی را که از طرح سوال تا استخراج جواب طی می شود را یک بار به دقت و ارسی کنیم متوجه خواهیم شد که قضیه از چه قرار است . من در اینجا آن روند را یکبار برای شما شرح می دهم تا مسئله کاملاً روشن شود.

همه چیز در جفر از طرح سوال آغاز می شود. ما برای خود یا دیگران سوالی طرح می کنیم و این سوال از سه حالت خارج نیست ۱- درباره گذشته است ۲- درباره زمان حال است ۳- درباره آینده است. در هر سه حالت، موضوع اصلی این است که مسئله ای وجود دارد که شخص سوال کننده از صحت و سقم آن مطلع نبوده و می خواهد از واقعیت آن مطلع شود. مثلاً فرض کنید اتفاقی در تاریخ افتاده و کسی از واقعیت آن مطلع نیست؛ نمونه اش همین اختلاف در تاریخ تولد یا وفات بزرگان دین است، حال یک جفار سوال می کند که تولد حضرت فاطمه زهرا(س) در چه سال و ماه و روزی بوده است؟

تا اینجای کار مشخص است. اما حال موضع مهمتر این است که ما این سوال را از چه کسی می پرسیم؟ آیا بجز این است که جفار این سوال را از خود می پرسد؟ در این صورت معنی درست آن این است که جفار جواب سوال را می داند، در غیر این صورت باید این پرسش را از کس دیگری می پرسید، متأسفانه اینها مسائلی است که کسی به آن توجهی نمی کند. اکثر افراد حتی به این نکته کاملاً روشن هیچ توجهی ندارند و نمی دانند وقتی سوالی را طرح می کنند در واقع خودشان را مورد خطاب قرار داده اند؛ حال اگر این مطلب را بپذیریم، آنگاه این سوال مطرح می شود که اگر جفار خود، پاسخ را می داند پس چرا در همان حال آن را به یاد ندارد یا از بیان آن عاجز است؟  
پاسخ این است:

ما دارای سه نوع حالت ذهنی هستیم ۱- خودآگاهی ۲- میان آگاهی ۳- ناخود آگاهی

ظرفیت هر کدام از این سه قسمت با یکدیگر متفاوت است. حقایقی که به طور روزمره مورد نیاز ماست در قسمت خودآگاهی قرار دارد که ظرفیت آن نسبت به دوبرخس بعدی بسیار کمتر است.

اما مسائلی که مار هر از چند گاهی به آنها نیاز پیدا می کنیم و در حالت عادی نیز به آنها دسترسی نداریم در قسمت میان آگاهی قرار دارد. مثلاً نام یک شخصی را که در گذشته با وی دوست بودیم و در حال حاضر فراموش کرده ایم و با کمی فکر کردن به یاد می آوریم در این بخش قرار داشته است.

اما خاطراتی که ما در حالت عادی اصلاً به یاد نمی آوریم ( مثل خاطرات زمان تولد) همگی در قسمت از ذهن جای دارند که ما به آن (ناخودآگاهی) یا (شعور باطن) می گوئیم.

تمام مسائل مربوط به پیشگویی آینده، فال بینی، هیپنوتیزم و هر مسئله ماورا الطبیعه دیگر به این بخش مربوط می شود. کتاب جفر جامعی هم که قبلاً صحبتش را کردیم در همین بخش واقع شده است. این شعور باطن، گذشته از این که آرشیو خاطرات ماست، بلکه این توانائی را دارد که وقتی ما از وی سوال می کنیم پاسخ واقعی آنرا به ما بدهد. یعنی اینکه قدرت تشخیص دارد. مثلاً وقتی ما درباره آینده از وی می پرسیم، او می داند که پاسخ این سوال در کدام خانه از خانه های جفر جامع مخفی شده است. پس به آن خانه مراجعه می کند و پاسخ مربوطه را در اختیار ما قرار می دهد. حال در اینجا سوالی که مطرح می شود این است که، چگونه می توان از شعور باطن استفاده کرد؟ و یا به بیان دیگر، چگونه می توان با آن مرتبط شد؟ پاسخ خیلی ساده است، همه چیز به تمرکز فکر مربوط می شود، زیرا در حالت عادی ما به این بخش از وجود خود دسترسی نداریم. در واقع اگر به کسی اذن و اجازه دخول به این قسمت شده باشد، در این صورت با یک تمرکز فرک بالا، او می تواند به تناسب اجازه ای که به او داده اند از اخبار غیبی مطلع شود. تمام مسئله استخراج جواب از جفر در همین نکته مخفی شده است. اما همه افراد نمی توانند به این بخش متصل شوند یا این کار را به سادگی انجام دهند؛ علت آن هم، همان دلیل است که اول بحث عنوان کردیم. یعنی جلوگیری از دسترسی آسان افراد به قدرتهای درونی.

در اینجا و به تناسب بحث لازم می دانم نکته بسیار مهمی را بیان کنم تا شناخت شما نسبت به جهان هستی هرچه بیشتر ارتقاء یابد. این نکته مهم به ساختار حقیقی یا نمای واقعی انسان مربوط می شود.

ما از شکل و شمایل یک انسان سالم تصویری در ذهن خود داریم. مثلاً همه انسانها پنج انگشت در هردست دارند. حال اگر کسی به دنیا بیاید که تعداد انگشتان دست وی از این تعداد بیشتر یا کمتر باشد ما او را یک شخص طبیعی نمی دانیم. درباره قوای جسمانی و ذهنی ما هم چنین میزان سنجشی وجود دارد، مثلاً به ما گفته می شود که یک انسان هرگز نمی تواند پرواز کند، حال اگر چنین کسی یافت شود که بدون هیچ وسیله ای در هوا معلق بماند ما فوراً دنبال این می گردیم که وی با چه حقه و نیرنگی این کار را انجام داده است؟ زیرا در ذهن ما تصویری که از یک انسان سالم و طبیعی وجود دارد این است که هیچ انسانی نمی تواند پرواز کند زیرا این یک قانون است که متأسفانه باید گفت قانون غلطی است. با کمال تأسف باید عرض کنم، تمام شناختی هم که ما در علم روانشناسی و پزشکی درباره انسان داریم هم غلط است. این اشتباه از آنجا ناشی می شود که ما دریافتهای خود درباره شکل و شمایل انسان و توانایی های وی را به جای واقعیت وجودی وی گرفته ایم؛ در حالی که تعریف ما از یک انسان سالم این است که: انسان سالم و طبیعی کسی است که می تواند غیب شود، ذهن دیگران را بخواند، طی الارض کند، از آینده خبر دهد و خلاصه هر کار دیگری را که در حال حاضر انجام آن را برای انسانها محال می دانیم، به راحتی بتواند انجام دهد. این قدرتها در ذات ما نهفته است و قرار نیست که از جایی بیاید و یا از کسی به ما منتقل شود.

در واقع ما با این توانائیاها به دنیا می آییم، اما در بدو تولد پرده ای روی ذهن ما کشیده می شود که ما نه از وجود چنین نیروهایی آگاه می شویم و نه اینک بتوانیم بفهمیم که چونه می توان از

آنها استفاده کرد. البته این محدودیت قطعی و دائمی نیست. بلکه، اگر کسی به مرحله ای برسد که خداوند متعال وی را شایسته استفاده از این قدرتها بداند، پس وسیله ای را فراهم می کند که وی به اندازه لیاقتی که برای وی مقدر شده از این قدرتها بهره مند شود.

اگر شما تاریخ زندگی انسان را مطالعه کنید به موارد زیادی برخورد خواهید کرد که افرادی در اثر یک اتفاق خاصی، مثل اصابت ضربه به سرو یا برخورد با وسایل نقلیه و سقوط از ارتفاع و یا شگفت انگیز تر اینکه، بعد از ملاقات با اشخاص ناشناسی در مناطق خلوت و بدور از افراد جامعه، یکباره به قدرتهای خاصی رسیده اند. مثلاً در ایران خودمان مشابه مورد آخر زیاد داشته ایم. مورد مرحوم کاظم ساروقی یکی از این موارد است. این عبد صالح خدا بعد از ملاقات با چند موجود آسمانی در بیابان و سپس همراهی کردن آنها در زیارت یک امام زاده و بعد از تماس دست یکی از آن بزرگواران بیهوش می شود و بعد از بیهوش آمدن متوجه می شود که علی رغم بی سواد بودن، تمام آیات قرآن را حفظ است. چنین مواردی در کشورهای دیگر هم گزارش شده است. در فیلیپین افرادی هستند که بعد از دیدن خوابهایی و یا ملاقات با فرشتگان می توانند افراد بیمار را شفا دهند. برخی از اینها قادرند حتی با انگشتان دست خود جراحی کنند.

برای انجام این کار دست خود را مستقیماً به درون بدن بیمار فرو برده و بعد از اینکه دست از بدن خارج می کنند جای بریدگی بلافاصله بهبود پیدا می کند. تمام این موارد می رساند که این تواناییها درون خود ما قرار دارد و این حوادث و برخوردها فقط حالت بیدار کنندگی را دارد. اما اینکه چرا عده ای معدودی چنین شانس را پیدا می کنند و اکثریت جامعه از داشتن چنین تواناییهایی بی بهره اند؟ این سوالی است که جوابش خیلی سخت است. راحت ترین پاسخ این است که خواست خداست.

اما نکته ای که در این بین وجود دارد این است که همه این افراد حتی قبل از اینکه به چنین قدرتهایی دست پیدا کنند ، رابطه خوبی با ضمیر باطن و درون خود داشته و عمدتاً از افراد بی سواد یا عامی جامعه به شمار می آیند . راستی چه رازی در بی سوادی و عامی بودن افراد با کسب قدرتهای درونی نهفته است؟ چرا پیامبران الهی هم عامی بوده و قبل از اینکه به مقام نبوت نائل شوند غالباً از مردم کناره گیری کرده و درون غارها به تفکر می پرداختند؟ پاسخ این پرسش می تواند گره از این معما بگشاید. و یا اینکه چرا، مرتاضان و دراویش برای سالهای متمادی از جامعه دور شده و درون جنگلها و غارها به ریاضت می پردازند؟ چه رابطه ای در خوردن و نخوردن برخی از مواد غذایی و دوری از رابطه جنسی و مراوده با افراد دیگر جامعه و کسب قدرتهای دورنی وجود دارد؟

این بحث را با وجود شیرینی و جذابیتی زیادی که دارد ، مجبوریم در همین جا رها کنیم، زیرا از موضوع اصلی خود دور می شویم . حال و در ادامه ، چگونگی اتصال به ضمیر باطن را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد .

### چگونگی اتصال به ضمیر باطن

قبلاً توضیح دادیم که جفار وقتی سوالی را طرح می کند در واقع آن سوال را از خود درونی خویش می پرسد. حال پرسش اساسی این است که بهترین روش برای طرح سوال و استخراج جواب کدام است ؟ چگونه می توانیم از شعور درونی خود سوال کنیم و بهترین و روشن ترین پاسخ را از وی دریافت کنیم ؟ جواب این سوال در داشتن تمرکز فکر عالی است.

ما در حالت عادی با ضمیر باطن خود رابطه ای نداریم . علت آن این است که شعور درونی ما در پایین ترین طبقه از ذهن قرار دارد و برای رسیدن به آن باید از عالم خود آگاهی و میان آگاهی

گذشته و به ناخودآگاهی وارد شویم. سیر چنین مسیری مستلزم این است که از خود آگاهی خود فاصله گرفته و وارد حالتی شویم که در اصطلاح به آن: تمرکز فکر، خلسه می گویند. وارد شدن به چنین حالتی خود به خود اتفاق نمی افتد. افراد باید تمرینات زیادی را در طی ماهها و سالها انجام دهند تا ذهن خود را آماده پذیرش آن سازند. در هر کتب فکری و عرفانی تمرینات و راههای مختلف و متفاوتی برای رسیدن به چنین حالتی به رهروان داده می شود. گروهی با استفاده از ذکر، برخی با تمرینات یوگا، عده ای با تمرینات هیپنوتیزم و استفاده از تلقین به نفس و سرخپوستان آمریکا با استفاده از گیاهان داروئی که حالت روانگردان دارند سعی می کنند اشخاص را به چنین حالتی رسانند. در عرفان اسلامی این کار با ذکر گویی و ریاضتهای شرعی دنبال می شود.

وقتی که فردی توانست خود را به این حالت برساند، با استفاده از کلیدهای ذهنی خود را شرطی می کند و در دفعات بعدی راحت تر خود را به این مرحله می رساند. سپس بسته به کاری که در حال انجام آن است از این قدرت لایتناهی استفاده می کند.

مثلاً یک جفار از این حالت برای استخراج جواب استفاده کرده و سپس پاسخ به دست آمده را مطابق قواعدی به شکل کلماتی قابل فهم در آورده و بیان می کند. در اینجا نیز نکته جالبی وجود دارد که ذکر آن خالی از لطف نیست. این نکته به قدرت جفاران مربوط می شود.

### قدرت جفاران در استخراج جواب

کسانی که هیچ شناختی درباره جفر ندارند و یا فکر می کنند که استخراج جواب از جفر تابع فرمول ریاضی است گمان می کنند که اگر ده نفر جفار با هم سوالی را مطرح کنند به یک جواب می رسند. در حال که هرگز اینگونه نیست و خود همین مسئله نشان می دهد که اگر فرمول مشخصی در کار بود باید همه سوال کنندگان به یک جواب واحد برسند.



حقیقت آن است که چون استخراج جواب بر اساس تمرکز شخص و ارتباط او با ضمیر باطن صورت می گیرد، لذا بسته به میزان تمرکز فکر و ارتباط هر جفار با شعور باطنی خود روشنی و وضوح جوابهای استخراج شده با یکدیگر فرق خواهد کرد اما در اصل به یک معنی خواهد بود. مثلاً اگر درباره ازدواج بین دو نفر سوال شود، ممکن است یک جفار پاسخ استخراج کند که: همه چیز سیاه است و دیگری دقیقاً نام هر دو نفر را بدست بیاورد: که ازدواج فلان و فلان خوب نیست.

خلاصه همه به یک نتیجه می رسند که این ازدواج خوب نیست. اما در الفاظ با هم فرق خواهند کرد. هر چقدر که یک جفار از لیاقت بیشتری برخوردار باشد جوابهایش واضحتر خواهد بود. من خودم هرگاه که اوضاع و احوال روحی ام مناسب باشد برای هر سوالی که طرح می کنم پاسخهای روشنی به دست می آورم، اما هر وقت که از مسئله ای ناراحت باشم و آن موضوع اوضاع و احوال روحی مرا به هم بریزد حتی شاید قادر نباشم به هیچ سوالی جواب بدهم. عمل استخراج جواب تابع شرایط روحی و روانی جفار است و اگر وی به خاطر مشکلات زندگی و یا بیماری روحی و روانی، تمرکز فرک خود را از دست بدهد مدتها قادر نخواهد بود که به راحتی از جفر پاسخ استخراج کند.

اینهایی که عرض شد، تجربه شخصی خود بنده و این جفیری است که به عنوان یک علم در حال اشتغال به آن هستم. اما اگر فردی مورد عنایت حق تعالی قرار بگیرد و اخبار بی واسطه به او برسد از این قاعده مستثنی خواهد بود. اما تجربه شخصی بنده و حتی بسیاری از اساتید عرب و هندی و پاکستانی این علم می رساند که نظریه بنده درست است. اما اگر جفر از یک قاعده ریاضی پیروی می کرد پس وضعیت روحی و روانی جفار در این بین چه اهمیتی داشت؟

من از روزی که این علم را دنبال کردم، با خود عهد نمودم که جز حقیقت نپویم و به کسانی که مایل به فراگیری این علم هستند هرگز دروغ نگویم؛ زیرا عاقبت روزی آن دروغ افشا خواهد شد.

اما متأسفانه تجربه بنده نشان داده که اکثریت علاقه مندان به این علم را کسانی تشکیل می دهند که همه چیز را در راستگویی نمی بینند. اگر درباره استخراج مستحصله جفر حرف راست زده نشود بیشتر مقبول آنها قرار خواهد گرفت تا زمانی که حقیقت را به آنها بگویم.

شیطان صفتانی که دوست دارند همیشه مردم را اسیر و برده خود کنند، به دروغ ادعا می کنند که جفر یک فرمول ریاضی دارد و آنها به آن پی برده اند، لذا دیگران را تشویق می کنند که کتب جعلی ایشان را به قیمت نازلی خریداری کنند و به این ترتیب در مقیاس وسیع خزعبلاتی را به فروش می رسانند و زمانی مردم از حقیقت باخبر می شوند که مرغ از قفس پریده و دست کسی به جایی بند نیست. من در این کتاب و بقیه کتب جفریم، فقط حقیقت را برای شما می نویسم و اینکه شما تا چه اندازه آن را باور کنید، امری است که به شما مربوط می شود. روشها و قداعدی که بنده در ضمه خود دارم بر اصول کاملاً مشخص و مدونی بوده و درستی آنها را تضمین می کنم.

اگر شما هم طبق شیوه ای که ارائه می شود. این علم را دنبال کنید. مطمئناً به نتیجه خواهید رسید همانطور که بقیه رسیده اند. اساتید قدیمی چون هرگز نمی خواستند مردم سر از کار آنها در آورند در کتابهایشان وانمود می کردند که استخراج جواب از جفر تابع اعمال طولانی ریاضی بوده و به سختی صورت می گیرد. در صورتی که تلاشهای بنده ثابت می کند که استخراج از جفر تابع سه شرط است: ۱- داشتن سهم و نصیب از علم ۲- داشتن تمرکز فکر خوب و ذهنی آزاد و بدون اشکال ۳- به کار بستن قواعد درست که به اخذ نتیجه منجر بشود.

در این جزوه بنده تمام اصول علمی مربوط به استخراج مستحصله جفر را برای شما توضیح می دهم تا شما با هر روشی که خواستید استخراج جواب کنید موفق شوید.

دروسی در رابطه با استخراج مستحصله جفر

درس یکم

حال که به صورت علمی و نظری با مسئله سوال و جواب در جفر آشنا شدید ، نوبت به این رسیده که این موضوع را با شفافیت بیشتری شرح دهیم تا هیچ نکته مبهمی باقی نماند.

در بخشهای قبلی گفتیم که وقتی جفار سوالی را طرح می کند در حقیقت آن را از خودش می پرسد ؛ بنابراین در وهله اول این موضوع خیلی مهم است که جفار سوال را رویت کند یا بداند که درباره چه چیزی باید سوال طرح کند . عده ای با بنده تماس گرفته و اظهار می کنند ما عدد حروف سوال را به شما می دهیم و شما پاسخ آن را استخراج کنید . این امر به صورت علمی هرگز امکان ندارد زیرا جفار باید بداند که سوال در رابطه با چه چیزی است . بسیار پیش می آید که دو سوال متفاوت دارای اعداد یکسانی باشند. و تعداد حروف و هم نقاط و هم اعداد حروف سوال یکسان باشد. حال جفار مادر مرده از کجا بفهمد که این اعداد به چه سوالی مربوط است؟ گاهی نیز کسی یا کسانی به عنوان شوخی اعدادی را به جفاری داده و از او می خواهند که پاسخ سوال آنها را استخراج جواب کند . حال اگر جفار صورت سوال را ندیده باشد از کجا بداند که این اعداد واقعی هستند یا خیر و مربوط به چه سوالی می باشند؟

مطلب بعدی اینکه ، گاهی اوقات افراد سوالات دروغینی را جهت امتحان جفار مطرح می کنند تا ببینند آیا وی می تواند به دورغ آنها پی ببرد یا نه؟ این کار هم اشتباه است. زیرا جفار براساس اطلاعاتی که شما به او می دهید طرح سوال می کند، او علم غیب ندارد که بداند این سوال حقیقی

است یا ساختگی؟ مثلاً فردی که اصلاً متاهل نیست، به دروغ سوال می کند که چرا من و همسرم بچه دار نمی شویم و جال اینکه اسم همسر دروغی را هم اعلام می کند. تمام این موارد باطل است و یک جفاری که این علم را به شکلی اصولی آموخته قادر به کشف دروغ افراد نیست، مگر کسی که به الهامات خاص غیبی مجهز باشد که وجود چنین اشخاصی در این دوره زمانه اگر محال نباشد، از نوادر است.

اگر این مطلب را پذیرفته باشید که جفار سوال را از خود می پرسد، پس به هنگام طرح سوال لازم نیست که زیاد آنرا طول و تفصیل بدهد. مثلاً اگر سوال از آخر عاقبت شخصی است، لازم نیست که به دقت تاریخ و ساعت و روز و همه این مسائل را بنویسید، زیرا جفار شما هستید و می دانید که درباره چه چیزی سوال می کنید. مثلاً اگر درباره آخر عاقبت بشار اسد سوال می کنید، کافی است سوال کنید: آخرو عاقبت بشار اسد چگونه است؟ همین کافی است. اما در مراحل ابتدایی آموزش این کار را نکنید، زیرا یک مقداری از پاسخ سوال ارتباط به جمع اعداد حروف سوال دارد؛ بنابراین گاهی اوقات اگر عدد ضعیف باشد، احتمال دارد شما نتوانید جواب احتمالی سوال را بین حروف تشخیص دهید. پس در ابتدای کار، سوال خود را مقداری دقیق تر مطرح کنید. مثلاً همان سوال را اینگونه مطرح کنید: دوشنبه سوم مهر سال هزار و سیصد و نود و یک شمسی عاقبت کار بشار اسد رهبر سوریه چگونه خواهد بود؟

نکته مهمی که باید به آن دقت کنید، روش طرح سوال است. سوال شما باید دقیق از نظر شکلی مطرح شود. هرچند استخراج پاسخ الهامی است، اما ضمیر باطن شما باید بداند که از او چه می خواهید؟ یکبار، جفاری درباره وجود گنج در یک روستا اینگونه طرح سوال کرده بود: گنج روستای فلانجا در کجا واقع شده؟ این سوال از بدو امر اشتباه است. زیرا بهتر بود که ابتدا وی سوال می کرد که آیا در آن روستا اصلاً گنجی وجود دارد یا خیر؟ بعد، اگر جواب مثبت بود، باز

هم باید سوال می کرد که آیا گنج روستا در یک مکان است یا در محل های متعددی دفن شده است؟ به همین صورت باید قدم به قدم پیش می رفت تا به نتیجه می رسید. ( البته بنده خودم هرگز از این علم در این راه استفاده نکرده و نمی کنم . این مثال را فقط جهت روشن شدن مطلب عرض کردم) و یا اگر جفاری بخواهد درباره ازدواج شخصی طرح سوال کند ، درابتدا باید پرسد که : آیا این شخص نصیب از ازدواج دارد یا خیر؟ اگر جواب مثبت بود به جنبه های دیگر پردازد . درباره تمام مسائل باید به همین شکل دقیق عمل کرد.

یک موضوع بسیار مهم دیگر که باید به آن توجه داشته باشید این است که ، اکثریت علاقه مندان به جفر فکر می کنند هر سوالی که از جفر بکنیم باید این علم پاسخ دهد . بر اساس این طرز فکر خیلی ها با بنده تماس می گیرند و می گویند: ما می خواهیم بدانیم نام همسر آینده ما چیست و اهل کجاست؟

بنده اعتقاد راسخ دارم که به این سوالات هم می شود جواب داد؛ اما استخراج جواب برای چنین پرسشهایی تابع شرایط روحی و روانی جفار است. (منظور جفاری است که این دانش را با اصول علمی آموخته، وگرنه اگر کسی به صورت الهام از عوالم غیبی به اخبار غیبی دست پیدا می کند ، حساب اوجد است). جفاران فعلی نباید با امثال شیخ بهائی و مرحوم دهداران و حسین اخلاطی و بایزید بسطامی و دیگر بزرگان مقایسه کرد. آنها علم خود را به نوع دیگری کسب کرده بودند .البته ناگفته نماند که با روشهای ما هم این کار عملی است، اما به جفارش بستگی دارد .اگر جفاری از تمرکز فکر صددرصد برخوردار باشد مسلماً می تواند به این سوالات هم پاسخ بدهد.

بنده خودم در مواردی موفق به انجام این کار شده ام، اما نه همیشه ، چندین بار که درباره استخراج اسم سوال طرح کرده ام از هر ده مورد به دو سه مورد توانسته ام جواب بدهم و این در شرایطی بوده که به لطف خدا از نظر تمرکز فکری در موقعیت خوبی قرار داشتم. اما اعتراف می کنم که استخراج

اعداد و اسم و نام مکانها خیلی سخت است و اگر لطف الهی نباشد هرگز انسان در این زمینه به جایی نمی رسد. بعضی از جفاران قدیم اطلاعات خود را از احضارات کسب می کردند؛ اما در نزد مردم اینگونه وانمود میکردند که اسم شخص یا مکان را با قوانین جفر استخراج کرده اند.

درس دوم :

بعد از اینکه شما با قوانین طرح سوال که در کتب اصلی هم آن را مفصلاً توضیح داده ایم آشنا شدید، نوبت به انتخاب روش جفری می رسد.

جفراز روشها و قواعد زیادی برخوردار است. زیرا هر استادی بعد از اینکه در این علم به مهارت و تسلط لازم دست پیدا کرده، برای خود روشهای جدیدی را بوجود آورده است؛ در حال حاضر تعداد این روشها بسیار زیاد است و بنده گمان نمی کنم کسی پیدا شود که از تمام آنها مطلع باشد. به نظر بنده بهتر است شما کار استخراج جواب در جفر را با ساده ترین روشها شروع کنید و سپس به روشهای پیچیده تر پردازید. در این حین درخواهید یافت که ذهن شما با کدام روش بیشتر هماهنگی دارد و جوابهای بهتری به شما ارائه می کند. بنابراین ابتدا از جفر آسان شروع کنید و بعد به جفر کبیر و سنتی پردازید.

مطلب مهمی که باید در اینجا به آن توجه کنید آن است که، برای یک جفار باید مهم ترین مسئله، استخراج جواب درست باشد نه روش استخراج، بعضی از روشها بیخودی پیچیده اند و این کار فقط برای این بوده که به مردم نشان بدهند که استخراج پاسخ سوال خیلی سخت است. اما من در این دوره به شما نشان می دهم که در یک سطر هم می توانید جواب استخراج کنید. البته یک عده اصرار دارند که باید حتما جواب سوال در روش پانزده سطری استخراج شود تا درست باشد، درحالی که این حرف و اعتقاد هیچ پایه و اساس علمی ندارد.

اصل برای شما باید این باشد که پاسخ صحیح به دست آورید ، حال این پاسخ با چه روشی به دست می آید هیچ اهمیتی ندارد؟

#### درس سوم

باید بدانید، این روشهای استخراج جواب نیستند که شما را موفق به یافتن جواب می کنند ، بلکه روشها کانال هایی هستند که الهامات درون آنها جریان می یابد. مسئله روش استخراج جواب در جفر پانزده سطری با جفر جامع از نظر ظاهری متفاوت است اما در اصل هر دوی این روشها فقط واسطه ای هستند تا الهامات درونی را سامان بخشند. انتخاب نوع پاسخ گیری هم به همین شکل است . مثلاً جفاری جوابهای خود را ابتدا نظیره می گیرد و بعد به صورت کلمات قابل فهم در می آورد. یکی ممکن است پاسخ را یک در میان استخراج کند .خلاصه اینکه هر جفاری می تواند برای خود سیستمی را بوجود بیاورد .ما روش ساخت این قواعد را در دوره آموزش جفر پانزده سطری به علاقه مندان می آموزیم و آنها قادر خواهند بود که برای خود روشی نویی بوجود بیاورند.

#### درس چهارم

عمل استخراج جواب یک کار عملی وذهنی است ، پس هرچه قدر که بیشتر تمرین کنید هم ذهن خود را فعالتر می سازید و هم اینکه به الهامات بیشتری دست می یابید . بهتر است از روزی که شروع به تمرین می کنید دفترچه ای را همراه خود داشته باشید تا هرکجا که فکر نویی به ذهنتان رسید آن را فوراً یادداشت کنید. زیرا وقتی که فکر خود را روی چیزی متمرکز می کنید در واقع ضمیر باطن خود را وادار می کنید تا برای سوال شما پاسخ شایسته ای فراهم کند . حتما تاکنون پیش آمده است که بخواهید چیزی را به یاد آورید اما در آن لحظه هر کاری می کنید آن موضوع به ذهن شما نمی آید. سپس و زمانی که جستجو برای به یاد آوردن آن را کنار گذاشته اید ، یکباره

در یک جا و در لحظه ای که اصلاً به آن موضوع فکر نمی کردید، با وضوح تمام مطلب مورد نظر را به یاد می آورید.

این بدان علت است که با وجود اینکه شما به صورت ظاهری از جستجو دست کشیده اید اما ضمیر باطن شما هرگز آن را رها نکرده است و هر لحظه که آن را به یاد می آورید در اختیار شما می گذارد.

### جایگاه مستحصله در جفر سنتی

در این بخش می خواهیم جایگاه و نقش مستحصله در جفر را برای شما روشن سازیم.

اگر شما دسترسی به کتابهای قدیمی جفر و یا حتی کتبی که هم اکنون در بازار فروخته می شود داشته باشید در آنها خواهید دید که مثلاً فردی سوالی مطرح کرده و جدولی کشیده که در آن چندین ستون موجود بوده و در هر ستونی حروفی را وارد کرده و به هر سطر هم نامی داده است. سطر اول اساس و دومی نظیره و سومی مستحصله و چارمی را هم نظیره مستحصله نامیده و جواب سوالات را در آن سطر به نمایش گذاشته اند. در ذیل یک نمونه از سوال و جواب به روش سنتی را که در یکی از کتب قدیمی نوشته شده را برای شما رسم می کنم.



سوال : مژگان خندان و شوهرش ارشام برای حل مشکلاتشان چه بکنند؟

مدخل کبیر: ۳۷۰۹

مدخل وسیط: ۴۳

مدخل صغیر: ۳۲

۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف
م	ا	ل	ا	ب	م	ی	م	م	ی	ج	ن	غ	ی	م	ج	ی	ل	ا	ذ	ا	ط	اساس
ظ	س	ض	س	ع	ظ	خ	ظ	ظ	خ	ف	غ	ن	خ	ظ	خ	ف	ض	س	س	ک	س	نظیره
ع	ا	ظ	س	ض	ض	ق	ظ	ا	س	ب	ص	ع	ح	ذ	غ	ص	ظ	ز	ذ	ض	ز	مستح صله
ب	س	م	ا	ل	ل	ه	م	س	ا	ع	د	ب	ت	ک	ن	د	م	ش	ک	ل	ش	نظیره
ش	ل	ک	ش	م	د	ن	ک	ب	ت	د	ع	ا	س	م	ه	ل	ل	م	س	ب	س	جواب

جواب : بسم الله مساعدت بکند مشککش

همانگونه که مشاهده می کنید ، در اصل جواب در سطر مستحصله موجود بوده که با نظیره گرفتن

آشکار می شود. در صفحات بعد توضیح می دهیم که این حروف از کجا بدست می آیند.

وقتی کسی برای اولین بار چنین جدولی را مشاهده می کند به این فکر می افتد که حتماً بین حروفی که در سطر مستحاصله درج شده با حروف دیگر یک رابطه ریاضی حاکم است ، لذا همه به دنبال این می روند که این رابطه را کشف کنند از آنجایی که این فکر غلط است ، لذا جستجوی آنان نتیجه نداده و آخر الامر چون به آن فرمول نمی رسند فکر می کنند که جفر دورغ است در حالی که علم درست است و اگر آنها نیز از راه درستی آن را دنبال می کردند به جواب می رسیدند. حال در این کتاب ما تمام حقایق در رابطه با مستحاصله را برای مشافاش می کنیم و شما خواهید دید که اصل قضیه چه بوده و چگونه این حروف استخراج می شوند.

اما وقبل از هر چیز باید بدانید که مستحاصله فقط در جفر سنتی مطرح بوده و در جفر ساده از آن اسمی برده نمی شود . این بدان علت است که ساختار این دو سیستم با یکدیگر متفاوت است. در جفر سنتی زمانی که شما سوالی را مطرح می سازید عاقبت حروف را به اعداد تبدیل و سپس همان اعداد را دوباره به حرف برگردانده و از آنها سطر اساس و نظیره را بنا می کنید. ( همان طور که در سوال و جواب صفحه قبل مشاهده کردید) تا اینجای کار که در تمام روشهای جفر معمول است هیچ نکته مبهمی وجود ندارد. زیرا تابع یکسری اعمال ریاضی است که هر کسی که سواد خواندن و نوشتن داشته باشد می تواند آنها را انجام دهد. اصل اعمال جهت استخراج پاسخ سوالات در هر روش جفر از این مرحله به بعد آغاز می شود که کاری زمان بر است اما اصل جفر سنتی و موجودیت آن نیز به همین یک سطر بر می گردد. در این کتاب ما شما را با ساختار آن به طور کامل آشنا می سازیم.

افشای تمام رازهای نهان درباره مستحصله

نهایت آمال تمام کسانی که به دنبال فراگیری علم جفر هستند رسیدن به پاسخ دو سوال است. این دو پرسش عبارتند از :

سوال اول : حروف مستحصله چگونه استخراج می شوند ؟ آیا فرمول خاصی برای این کار وجود دارد ؟

سوال دوم : چگونه بفهمیم که کدام حرف مستحصله است؟

اگر کسی پاسخ این دو پرسش را به درستی بداند او استاد حقیق جفر است.

حال در این کتاب ما سعی می کنیم پاسخ شایسته ای برای این دو سوال ارائه دهیم. ابتدا پاسخ پرسش اول، ( هیچ فرمول از پیش تعیین شده ای برای استخراج حروف مستحصله وجود ندارد . فرمول را ما می سازیم . در صفحات بعد در این رابطه توضیح خواهیم داد. حال به سوال دوم بر می گردیم.

جواب : هیچ فرمول از پیش تعیین شده ای برای شناخت حروف مستحصله وجود ندارد. فرمول را ما می سازیم

همانطور که ملاحظه می کنید پاسخ هر دو سوال یکی بود. حال این موضوع کمی گیج کننده می شود و احتمالاً برای شما هم این سوال مطرح می شود که اگر هیچ چیزی نبوده ، پس گذشتگان ما چه چیزی را از دیگران مخفی می کردند و اینهمه سال در حفاظت از آن می کوشیدند؟ در سطور آینده برای شما توضیح خواهیم داد که اجداد ما چه چیزی را از دیگران مخفی می کردند . لطفاً مباحث آینده را با دقت بیشتری مطالعه فرمائید.

آشنایی با پیش گویی و روش های اطلاع از عوالم غیبی

وقتی که شما در جفر سوالی را مطرح می کنید بالطبع بعد از ساختن سطر اساس و نظیره به دنبال استخراج پاسخ آن سوال می روید.

بعنوان مثال شما سوال طرح می کنید که : فلانی از همسر نصیب دارد یا خیر؟

در اینجا شما از امری پرسیده اید که زمان وقوع آن آینده است. به عبارت دیگر از روز طرح سوال تا آخرین روزی که آن فرد زنده است زمان وقوع احتمالی پاسخ شماست. ممکن است آن شخص تا آخر عمر نصیب از ازدواج داشته باشد و ممکن است نداشته باشد. در اصل این مطلبی است که در آینده روشن خواهد شد. اما ما بر این باوریم که با علمی بنام (جفر) می توان از آن آینده مطلع شد.

حال سوال این است که : آیا این مطلب صحت دارد؟ چگونه می توان از اتفاقی که هنوز رخ نداده مطلع شد؟ مگر نه این است که از نظر علم فیزیک اینکار نشدنی است. چون آینده هنوز اتفاق نیفتاده و گذشته هم اتفاق افتاده و از مادور شده است و ما هرگز نمی توانیم به آن برسیم. (حداقل به شکل معمول) پس چگونه می توان از عملی که قرار است چند سال بعد اتفاق بیفتد و مشخص نیست که چطور و چگونه خواهد بود مطلع گردید؟ پاسخ این سوال در گرو داشتن شناختی حقیقی از شعور کل و جهان است.

اگر ما از کل عالم شناختی صحیح داشته باشیم به جواب تمام پرسشهایی که الان یا هزار سال دیگر مطرح می شود پی خواهیم برد. زیرا شناخت حقیقی مثل رسیدن به آرشیوی است که پاسخ تمام سوالها در آن قرار دارد.

شناختی که ما در حال حاضر از جهان خود داریم بسیار سطحی و سست بوده و به هیچوجه نمی توان با آن هیچکدام از پدیده های به اصطلاح ماوراء الطبیعه را نه اثبات کرد و نه رد کرد و نه توجیه نمود.

این شناخت غلط حاصل تفکر غلط درباره نحوه خلقت عالم و طرح سوالات اشتباه در این باره و رسیدن به جوابی کاملاً غلط است.

بعنوان مثال ، به ما یاد داده اند که درخت و سنگ جز جامدات به حساب آمده و زنده نیستند . بنابراین اگر ما فکر کنیم که سنگ هم شعور دارد و می تواند فکر کند، این فکر خیلی مسخره به حساب می آید و اگر فردی به این موضوع اعتقاد داشته باشد به عقیده دانشمندان باید در سلامت علی او شک کرد.

اما در قرآن مجید که کتاب آسمانی بوده و سخنان الله تعالی در آن نقل شده، آمده است که خدا می فرماید: درخت و ستاره و هرچه که در عالم است برای خدا سجده می کنند.

این سخن خداست که هیچ شکی در آن نیست . درخت و ستاره و بقیه اجزاء عالم اگر زنده نبوده و فاقد شعور باشند چگونه می توانند خالق خود را شناخته و برای او سجده کنند؟ مگر سجده عملی خاص انسان نیست که در ظاهر موجودی ذی شعور جهان هستی است؟ چرا باید خداوند متعال در کتاب خود چنین سخنی را بیاورد؟ خدا که با انسان شوخی نمی کند ، و نعوذبالله خدا که دروغ نمی گوید . پس مشخص است که مسایل زیادی پشت پرده است که ما از آن خبر نداریم . مثلاً همین موضوع ، گذشته - حال - آینده ، از جمله این مسایل است . به ما از کودکی می آموزند که آینده را هیچ کس نمی تواند ببیند . اما آیا این واقعیت دارد؟ پاسخ را در مطالب آینده بجوئید.

## آشنایی با مفهوم زمان

الف، زمان چیست؟ آیا زمان اصلاً وجود واقعی دارد یا اینکه در خیال ما واقعیت می یابد؟ آیا زمان را ما بوجود می آوریم یا اینکه آن امری ازلی است؟

راستی کلمه زمان برای شما چه معنایی دارد؟ کلماتی مانند، دیروز و امروز و فردا چه معنایی دارند؟

ما بحول و قوه الهی در این بخش به تمام سوالات مربوطه به زمان جواب می دهیم. ابتدا به این سوال می پردازیم که زمان چیست؟ باید بدانید که این سوال از جمله پرسشهایی است که برای هزاران سال بین علما و فیلسوفان و دانشمندان در حوزه های مختلف علمی بر سر آن بحث و جدل دائمی صورت گرفته است و هنوز به جواب مشخصی نرسیده اند. در این میان هر گروهی برداشت خود را عین حقیقت دانسته و یافته های دیگران را خطا میدانند. حال شما فکر می کنید حقیقت چیست.

ما برای اولین بار در ایران، حقیقت وجود یا عدم وجود زمان را فاش کرده و درستی آن را اثبات خواهیم کرد. انشاءالله

در وهله اول باید به این مطلب توجه داشته باشید که زمان هیچگاه نمی تواند بطور مطلق و به یک معنی خاص و روشنی مورد قبول و یا استفاده همگان قرار بگیرد. این یعنی آنکه همه مردم درباره مفهوم زمان تصویر روشنی نداشته و بغیر از آن حتی احساس خودما هم از زمان و گذشت آن با دیگران مساوی نیست.

مثلاً وقتی که ما در انتظار کسی هستیم احساس می کنیم که زمان بسیار کند میگذرد و شاعر در این زمینه چه خوش می گوید. شب عاشقان بیدل چه شب دار باشد. در حالیکه در هنگام خوشی احساسی برعکس این داریم. شاید شما هم شنیده باشید که میگویند: عمر خوشی ها کوتاه است.

حال به مفهوم زمان بر گردیم . معنی کلمه زمان یا حداقل کلمه ای که بتواند مفهوم آن را بما برساند ، وقت است . برای اغلب ما زمان چیزی فراتر از حرکت عقربه های ساعت و طلوع و غروب خورشید نیست . ما یکدور حرکت زمین به دور خورشید را یک شبانه روز بحساب آورده و آن را به ۲۴ ساعت تقسیم می کنیم و با این ساعتها گذشت زمان را میسنجیم .

در فرهنگ زمینی زمان گذشته به اوقاتی گفته می شود که از نظر ساعتی سپری شده و ما آن را رد کرده و پشت سر هم گذاشته ایم . حال نیز به اکنون و این لحظه و ساعتی گفته می شود که ما در آن قرار داریم . آینده نیز وقتی است که هنوز از راه نرسیده و قاعدتاً ما از آن بیخبریم .

ما بر روی کره زمین زندگی می کنیم و درک مفهوم زمان بدون وجود شب و روز برای ما غیر ممکن است . همچنین مبنای محاسبه ما برای سنجش زمان وجود خورشید و ماه است . اگر ما در منظومه خورشیدی دیگری زندگی می کردیم و طول شب و روز کمتر یا بیشتر از این مقدار بود ، مسلماً زمان نیز برای ما معنی دیگری داشت .

در این دنیا این زمان است که بر ما حاکم است و به همین دلیل است که ما پیر می شویم . اگر ما حاکم بر زمان بودیم هرگز نه پیر میشدیم و نه میمردیم . به همین دلیل به امام دوازدهم شیعیان حضرت مهدی (عج) امام زمان می گویند . زیرا ایشان حاکم بر زمان است و به همین دلیل میتوانند هزاران سال دیگر در یک شکل و قیافه بمانند و هرگز پیر نشوند .

هدف اصلی من در طرح این مسائل در این کتاب آن است که شما را با واقعیتهای جهانی که در آن زیست می کنیم آشنا سازم . به اعتقاد بنده ، اگر ما شناخت خود را در رابطه با عوالم مادی و معنوی ارتقاء دهیم مسلماً زندگی ما نیز دستخوش تغییر خواهد شد . تغییراتی که باعث می شود زندگی را آنگونه که هست تجربه کنیم و دنیا را آنگونه که وجود دارد ببینیم و بشناسیم . کشف همه حقایق

عالم و پی بردن به تمام اسرار در گروه شناختی راستین است نه آن شناختی که بنام حقیقت عالم بخورد ما داده اند.

شناخت حقیقی از هستی موضوع اصلی و هدف تمام مکاتب عرفانی و نحله های گوناگون فکری و فلسفی در طول تاریخ زندگی بشر بوده و میباشد. همه پیامبران از زرتشت و ابراهیم و موسی و عیسی و بالاخره حضرت محمد(ص) آمدند تا حقایق عالم را برای ما بازگو نموده و راه حقیقی را به انسانها نشان دهند. بنظر من ساده اندیشی است ، اگر فکر کنیم آنهمه زحمتی که نبی گرامی اسلام و ائمه معصومین (ع) کشیده و ناملایماتی را که تحمل نمودند ، فط به خاطر این بوده که مردم نماز بخوانند و روزه بگیرند. چه اگر اینگونه بود خداوند عالم می توانست بزرو قدرت، گردنکشان عالم را وادار کند تا از فرامین او اطاعت کرده و شرط بندگی را بجای آورند .اینکه خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید : ( لا اکره فی الدین) دقیقاً به خاطر همین شناخت است.

اگر انسانی به شناخت حقیقی برسد خود میداند که چه کسی را پرستش کند و چنین آدمی نیازی به زور ندارد. که در دین مبین اسلام سفارش به تفکر و اندیشیدن شده و حتی در بعضی موارد فرموده اند : یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است. نشان از ارزش اندیشه در این دین آسمانی دارد، ( البته اندیشه ای که به شناخت حقیقی ختم شود و گرنه ، اینکه انسان یک ساعت که هیچ ، صد ساعت هم بشیند و رویا پردازی کند ارزشی ندارد) انسانها ذاتاً میل وافری به شناخت و پی بردن به حقیقت عالم و کشف اسرار و رازهای جهان هستی دارند . ما زمانی که شروع به شناسایی حقیقت عالم می کنیم ، ناگزیر با تمام جنبه های آن درگیر می شویم و از این شناخت نتایج فرعی هم بدست می آید که یکی از آن نتایج پی بردن به این راز است که ناگهان میفهمیم که ما خیال می کردیم ، تا اتفاقی نیفتاده نمی شود درباره آن صحبت کرد و از آن خبر داد ، اشتباه می کردیم .بلکه اصلاً ساختار دنیای ما به شکلی است که می توان درباره آن صحبت کرد و از آن خبر داد ، اشتباه



می کردیم بلکه اصلاً ساختار دنیای ما بشکلی است که میتوان اینکار را انجام داد و اتفاقاً راهای زیادی هم برای انجام آن وجود دارد و این کتاب هم میخواهد یکی از آن راهها را بما بشناساند و آن علم شریف (جفر) است.

این کتاب حاوی مطالب حقیقی درباره ماهیت این علم بوده و با سایر کتابهای بازاری که به قصد خود نمایی و فروش نوشته می شود متفاوت است. زیرا شناختیکه از طریق آن ضحت پیشگوئی اثبات می شود؛ متعلق به علم شریف جفر است.

ساختار حقیقی جهان هستی و ارتباط آن با پیشگویی

شناخت ما از جان هستی بسیار سطحی بوده و ناقص است. حقیقت آن است که ما به دلیل دارا بودن این جسم و حواس مادی فقط قادر به درک جزء کوچکی حقایق هستی هستیم. زیرا که ما در جسم مادی و کالبد خود محبوسیم و وسیله ارتباطی ما با جهان خارج همان حواس پنجگانه ما یعنی، حس بینائی، چشایی، بویایی، لامسه و شنوائی میباشد و این حس نیز محدود آفریده شده اند. یعنی اینکه اگر ما چیزی را میبینیم فقط به این علت است که نور به آن می تابد و بازتاب آن به چشم ما میرسد و در انتها ما موفق به دیدن آن می شویم. حال اگر چیزی اعم از شی یا جانور و حیوانی در این دنیا موجود باشد که بتواند نور را از خود عبور دهد، ما هرگز موفق به دیدن آن نخواهیم شد ما بوسیله مغز خود فکر کرده و می اندیشیم و از آنجائیکه اندیشیدن کاری آگاهانه است، پس حتی فکر کردن ما هم تحت تاثیر این جهان قرار دارد. یعنی اینکه ما بوسیله آگاهی خود فقط می توانیم چیزهایی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم که قابل درک به وسیله این قسمت از شعور باشد.

این موضوع خیلی مفصل است و در قدرتهای درونی انسان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. ما در این کتاب بحث شناخت هستی را تا آنجائی که به موضوع این کتاب مربوط میشود دنبال خواهیم کرد.

سه منطقه آگاهی در انسان ( ادامه بحث قبل در این باره)

انسان دارای سه نوع سیستم درک اندیشه و شعور می باشد. این سه قسمت عبارتند از :

خودآگاهی - نیمه آگاهی - ناخودآگاهی

هر کدام از این آگاهی ها می توانند بخش مشخصی از وجود ما یا جهان هستی را درک کنند. مثلاً اگر ما دارای خود آگاهی نبودیم ، آنگاه با حیوانات هیچ تفاوتی نداشتیم. یعنی همانطور که هیچ حیوانی در این دنیا از وجود خود آگاه نیست و هرکاری که مثلاً یک گربه انجام می دهد بصورت ناخود آگاهی بوده و توسط سیستم درونی آن حیوان صورت می گیرد ما هم مانند حیوانات بصورت ناخود آگاهی زندگی می کردیم. توجه به وضعیت رفتاری و روانی مجانین (دیوانه ها) این تئوری را به طور کامل اثبات می کند.

ما به وسیله دستگاه عقلی خود فقط قادر به درک مسائلی هستیم که در منطقه خود آگاهی ما وارد و قابل درک باشد. مثلاً در صورت عادی هیچ انسانی هرگز اسم خود را فراموش نمی کند؛ زیرا آن ، در منطقه خود آگاهی قرار داشته و اطلاعاتی نظیر نام و نشان و آدرس محل کار و مطالبی اینچنینی که برای ادامه زندگی ما ضروری می باشد در این قسمت قرار داشته و چون بدون آنها ما قادر به ادامه حیات نیستیم ، بهمین دلیل هیچگاه این اطلاعات را فراموش نمی کنیم.

مسائلی که بوسیله سیستم خودآگاهی قادر به درک نباشند از طرف ما هم فهمیده نمی شوند. به زبان ساده تر خودآگاهی ما بر هر چیز تسلط داشته باشد ما می توانیم آن را بفهمیم. انسان می تواند تمام

پدیده های مادی جهان هستی را بفهمد زیرا که مغزش و خود آگاهیش بر همه آنها تسلط دارد . اما ما در صورت معمول به هیچ وجه بوسیله حواس و قدرت خود آگاهی قادر به فهم مسائلی که در ناخود آگاهی رخ می دهد و یا مربوط به جهان درون است نمی شویم ، چون هیچ تسلطی به آنها نداریم . یک مثال درباره بدن انسان فهم این موضوع را آسانتر می سازد.

بدن ما بطور کامل این سه نوع آگاهی را به نمایش می گذارد. اگر ما در بدن خود این سه نوع آگاهی را به عنوان قدرت و توانائی کنترل بحساب بیاوریم. پس اموری که بصورت آگاهانه قادر به انجام آنها هستیم ، معرف اعمالی است که در محدوده خود آگاهی قرار دارد . بعنوان مثال ما می توانیم کاری مانند نوشتن به میل خود انجام دهیم . همچنین بسیاری از اعمال دیگر را که آگاهانه می توانیم انجام دهیم . همچنین بسیاری از اعمال دیگر را که آگاهانه می توانیم انجام ندهیم یا بدهیم. ما برای مسافرت میتوانیم سوار اتومبیل یا قطار و یا هواپیما شویم. اینها اعمالی است که ما آگاهانه می توانیم در مورد آنها بیاندیشیم و هر کدام را که خواستیم انتخاب کنیم.

اما در بدن ما اعمالی صورت می گیرد که ما تا حدی بر آنها تسلط داریم و می توانیم آگاهانه آنها را بصورت محدود کنترل کنیم ، مثلاً نفس کشیدن جزو این اعمال است . ما می توانیم برای چند دقیقه تنفس خود را کنترل کنیم ، اما هرگز نمی توانیم برای همیشه نفس نکشیم .اینکاری است که ما بتوانیم بصورت آگاهانه آن را برای همیشه ترک کنیم .بلکه برای یک زمان کوتاه می توانیم بر آن کنترل داشته باشیم.

و اما مهمترین داستان این است که ، اعمالی در بدن ما صورت می گیرد که ما هرگز بصورت معمول نمی توانیم حتی برای لحظات محدودی هم که شده بر آنها تسلط و کنترل داشته باشیم . زیرا این اعمال کاملاً تحت تسلط و در کنترل ناخود آگاهی ما بوده و ما به صورت آگاهانه هیچ قدرتی برای کنترل و تحت نفوذ گرفتن آنها نداریم.

مثلاً طپش قلب ، جذب و هضم غذا، گردش خون در بدن و بسیاری اعمال حیاتی ما به شکل کاملاً ناخودآگاهانه صورت می گیرد . اگر انی اعمال تحت نفوذ خودآگاهی ما بودند ما می توانستیم به قلبمان بصورت خودآگاهانه دستور بدهیم تا تندتر یا کندتر بطپد. ( البته این به صورت معمول است و گرنه هر انسانی می تواند با طی دوره های خاص و کنترل بر ذهن ناخودآگاه خویش حتی اعمال حیاتی بدن خود را تحت کنترل خود بگیرد .مانند مرتاضان هندی

وقتی عملی تحت نفوذ سیستم ناخود آگاهی صورت می گیرد، یعنی اینکه ما می نمی توانیم آگاهانه در انجام آن کار دخالت کنیم و خواستن یا نخواستن ما هم هیچ نقشی در نحوه انجام آن عمل ندارد . تمام بیماریهای روانی و اعتیاد فقط به این دلیل به صورت آگاهانه قادر به درمان نیستند که شخص نمی تواند آگاهانه بر آنها کنترل داشته باشد . این اعمال وارد ناخود آگاهی فرد شده و تحت نفوذ سیستم تکرار درونی دائماً بدون خواست فرد تکرار می شوند، حتی اگر شخص از انجام این کارها کراهت هم داشته باشد ( مثل بیماری وسواس) باز هم نمی تواند بصورت آگاهانه آنها را کنار بگذارد یا در نحوه انجام آنها دخالتی داشته باشد.

درباره فهم مسائلی هم که به نحوی به اسرار عالم مربوط می شود فقط آن قسمتی را می توانیم بوسیله حواس و خودآگاهی خود فهمیده و مورد تجزیه تحلیل قرار دهیم که ساختار مادی داشته و توسط ذهن خود آگاه ما پذیرفته شود .بقیه مسائل را نمی توانیم درک کنیم بعلت اینکه آنها از محدوده خود آگاهی و حواس ما خارجند . به همین دلیل است که ما نمی توانیم وجود خدا را با خود آگاهی خود درک کنیم ، زیرا خداوند متعال به تمام جهان هستی احاطه داشته و ما نمی توانیم بعنوان یک جزء برکل احاطی یابیم.

اما بهر حال از آنجاییکه آگاهی های سه گانه ما به یکدیگر مربوطند و جدای از هم نیستند ، ما هر از گاهی بارقه هایی را از جهان معنوی دریافت می کنیم و همین دریافت هاست که انسان را به

جستجو درباره فهم اسرار جهان هستی و امید دارد چه اگر آگاهی های ما به یکدیگر مربوط نبودند ،  
ما هیچگاه از وجود چیزی خارج از حیطه خود آگاهی خود با خبر نمی شدیم.

جهان هستی دارای اسرار بسیاری است که با خود آگاهی ما قابل درک نیست ، اما به دلیل وجود  
همان ارتباطی که در قبل عرض شد ، ما می توانیم درباره این اسرار بیاندهشیم و اگر تحت تعلیم  
قرار بگیریم حتی امکان این هست که به ناخود آگاهی جهانی دسترسی یافته و از راز و رمز هستی  
آگاه شویم و به شناختی راستین برسیم. ولی این به آن معنی نیست که بالاخره روزی می توانیم  
شکل و قیافه خالق خویش را ببینیم زیرا خالق هستی از ماده ساخته نشده که شکل و قیافه داشته و  
قابل دیدن باشد. منظور از شناخت فهم واقعیت است و این فهم می تواند زندگی ما را دگرگون کند.  
ما فکر میکنیم ، یعنی اینطور به ما گفته و به زور علم برای ما ثابت کرده اند که بغیر از این دنیا  
جهان دیگری وجود ندارد و هرچیز که میبینیم حقیقت مطلق است . درحالی که دنیای ما فقط یکتا  
از جهان هستی بوده و پشت پرده خبرهای دیگری هم هست.

واقعیت این است که ما در کل دارای دو جهان هستیم الف : جهان بیرونی ب : جهان درونی

ما در قسمت بیرونی هستی زندگی می کنیم و یکی از خصوصیات این لایه داشتن زمانهای سه گانه  
است. بعبارت دیگر ما ۳ بعد بیشتر را نمی توانیم احساس کنیم در حالیکه ابعاد دیگری هم وجود  
دارد . در این بعد ما گذشت زمان را احساس می کنیم و در واقع این ما هستیم که گذشته و آینده  
را اینگونه احساس می کنیم ، اما در حقیقت این است که در دنیای درون همه چیز در زمان حال  
اتفاق می افتد و به زبان دیگر در آن جهان نه گذشته ای است و نه آینده ای ، نه کسی به دنیا می  
آید و نه از دنیا می رود و اگر امکاناتش را داشتیم میتوانستیم در زمان سفر کرده و گذشته و آینده  
خود را یکجا ببینیم.

از آنجایی که سرعت وقوع حوادث در دنیای دورنی بسیار بیشتر از دنیای ما میباشد ، بهمین دلیل در حقیقت آینده ما از نظر آن جهانی گذشته بحساب می آید ( گذشته به تعریف ما) و این یکی از دلایلی است که توضیح می دهد چرا میتوان از حادثه ای که بقول ما زمینیان هنوز اتفاق نیفتاده خبر داد.

درواقع حادثه اتفاق افتاده و این ما هستیم که دیر از آن باخبر شده ایم. حال به این نکته خود دقت کنید. اگر کسی بتواند خود را به نحوی به آن دنیا وصل کند. میتواند از تمام اتفاقاتی که در آنجا رخ می دهد و قرار است که در آینده ما پیش آمد کند ما را مطلع کند.

حال سوال این است که آیا چنین چیزی وجود دارد ؟ در پاسخ باید بگویم بله امکان دارد و اتفاقاً راههای زیادی هم برای رسیدن به این منظور در دسترس ما قرار دارد . ما این راهها را در بخش چگونگی انجام پیشگویی مورد بحث قرار می دهیم.

شاید اکنون برای شما باور این مسئله سخت باشد که چگونه چنین چیزی ممکن است؟ اما باور کنید که این یک موضوع بسیار عادی است . متأسفانه در طول تاریخ اتفاقات زیادی زخ داده و افراد خاصی سعی کرده اند که انسانها را از حقیقت دور نگه دارند ، بهمین دلیل اکنون برای ما باور این مطلب سخت است. همانطور که قبلاً عرض شد بسیاری از اتفاقاتی که اکنون در حوزه ماوراء الطبیعه طبقه بندی می شود ، بدلیل عدم شناخت ما از هستی است و زمانی که شناخت بالا می رود حقیقت هر چیز عیان می گردد . زمانی علمی مانند شیمی، فیزیک ، ریاضی هم جزء علوم غریبه محسوب می شدند اما، به تدریج و با افزایش آگاهی انسانها اکنون در ردیف علوم تجربی قرار گرفته و در مدارس تدریس می شوند. شاید هم روزی برسد که روشهای پیشگویی ، سفر در زمان ، غیب شدن و بسیاری از علوم دیگر را در مدارس تعلیم دهند به امید آن روز.

آشنایی با روشهای پیشگوئی :

گفتیم که دنیایی بغیر از دنیای ما وجود دارد که همه اتفاقات در آن زمان رخ می دهد. بنابراین وقتی که کسی ادعای پیشگوئی دارد ، معنی اش این است که چه بداند و چه نداند به این دنیا متصل شده، که میتواند از آینده و اتفاقاتی که قرار است رخ بدهد ما را با خبر کند . حال میخواهیم ببینیم این عمل چگونه صورت می گیرد.

قبل از اینکه وارد اصل مطلب شوم مایلیم این نکته را متذکر شوم که ممکن است افرادی که به علم و علم پیشگوئی اشتغال دارند برای کار خود تعریف دیگری داشته باشند که البته زیاد مهم نیست اما، حقیقت این است که تعریف اصلی همان است که عرض شد.

حال در وهله اول چگونگی پیشگوئی را بررسی کرده و سپس به سراغ روشهای ارتباطی با درون جهان رفته و در حد حوصله این کتاب به آنها می پردازیم.

پیشگویان کیستند و قدرت خود را از چه منبعی دریافت میکنند؟

پیشگویان کسانی هستند که قدرت خبر دادن از آینده را دارند و میتوانند از اتفاقاتی که هنوز رخ نداده ما را مطلع سازند. اگر ما این عمل را نوعی قدرت بحساب بیاوریم پس، پیشگویان افراد قدرتمندی هستند . حال سوال این است که آنها این قدرت را از چه منبعی دریافت می کنند.

برای اینکه بدانیم پیشگویان قدرت خود را از کجا می آورند؟ لازم است که ابتدا با ماهیت این قدرت آشنا شویم . حقیقت این است که این قدرت چیزی مانند قدرت بدنی نیست و معنی از نوع زور ندارد، بلکه این قدرت همان توانائی برقراری ارتباط با دنیای درون است . بعبارتی پیشگویان واسطه هایی هستند که توانایی عبور اطلاعات را از خود دارند . اگر بخواهیم تعریف واضح تری از پیشگویان داشته باشیم ، مثال سیم برق است.

کسانی که با برق آشنا هستند میدانند که بهترین هادی برق، یعنی وسیله ای که برق را بخوبی از خود عبور میدهد، فلز طلا می باشد. از آنجایی که طلا گران است بنابراین از فلز مس بعنوان جانشین خوبی برای آن استفاده میکنند و در حال حاضر تمام سیستمهای برق از این فلز ساخته می شوند . پیشگویان نیز کسانی هستند که مانند یک رسانای خوب اخبار و اطلاعات را از جهان درون گرفته و به خود آگاهی خود منتقل میکنند. حال می‌خواهیم ببینیم این توانایی را پیشگویان چگونه کسب می کنند . باید بگویم که پیشگویان ممکن است این توانایی را به شکلهای مختلفی بدست آورند که ما در اینجا به ۵ نوع آن می پردازیم.

نوع اول - دریافت مادرزادی

نوع دوم - دریافت تصادفی

نوع سوم - دریافت از طریق الهام

نوع چهارم - دریافت از استاد

نوع پنجم - دریافت از طریق ریاضت

در نوع اول ، پیشگو مادرزادی از این موهبت برخوردار میشود و درحقیقت این قدرت از بدو تولد همراه اوست و اینکه فرد چه زمانی از قدرت خود باخبر میشود موضوعی است که کسی از آن مطلع نیست.

در نوع دوم، ممکن است پیشگو به صورت تصادفی دارای این قدرت شود. بارها اتفاق افتاده که افراد بر اثر ابتلا به بیماریهای سخت و یا تصادف شدید با اتومبیل یا وسایل نقلیه دیگر و همچنین بر اثر سقوط از ارتفاع و یا برق گرفتگی و خلاصه سوانح و اتفاقات ناخوشایند دیگر و بعد از خلاصی از آن مشکل یا بهبودی بیماریشان متوجه می شوند که به شکل ناگهانی صاحب قدرتهایی شده اند .



مثلاً می توانند از آینده خبر بدهند ، با چشم بسته ببینند . اشیاء را به نیروی اراده حرکت بدهند و دهها کار دیگر . این افراد چون این قدرتها را ناگهانی بدست آورده اند خود نیز نمیدانند که این توانائی از کدام قسمت بدن آنها نشات میگیرد و چگونه می توان آنها را کنترل کرد . در بعضی از موارد این قدرت به همان شیوه ای که آمده یعنی ناگهانی ، بهمان شکل هم ناپدید می شود.

همین چند سال قبل بود که زنی در روسیه بر اثر برق گرفتگی از ارتفاع بلندی سقوط کرد و همه فکر کردند که او زنده نمی ماند . اما وی نه تنها زنده ماند ، بلکه بعد از این اتفاق متوجه شد ، قدرتی یافته که می تواند زیر زمین و پشت دیوارها را هم ببیند . دولت روسیه بعدها از این زن در زمینه های بسیاری استفاده کرد. پس یکی از راهای کسب قدرت پیشگویی به اینگونه است.

در نوع سوم؛ این توانایی به افراد بخصوصی مانند روحانیون و یا افراد با ایمان و پاکدل از هر مذهبی در خواب یا عالم رویا و یا حتی بیداری به صورت الهامی داده می شود . یعنی ممکن است که در یکی از این سه حالت افراد صدایی بشنوند یا پیشوای مذهبی خود را رویت کنند که این قدرت را به آنها اعطا می کند.

بسیاری از افراد با ایمان در سراسر دنیا بدون اینکه خود شخصاً دخالتی در این امر داشته باشند از طرف ماموران آسمانی و از طرق مختلف قدرتهای گوناگونی را کسب می کنند . قبلاً توضیح دادیم که در کشور ما نیز این اتفاقات کم رخ نداده است. آنهایی که مباحث ماورائی را دنبال می کنند با نام مرحوم کربلایی کاظم ساروقی (ره) آشنا هستند. این مرد بزرگ که خدایش بیامرزد ، از انسانهای پاک روزگار و زمانه خود بود که در اثر ماجرای در امامزاده روستای خود (نزدیک اراک) با چند موجود آسمانی ملاقات کرده و در آن جریان هدیه ای بس بزرگ و گرانبها به وی اعطا می شود و آن حافظیت قرآن بود. این مرد پاک که اصلاً سواد نداشت و هرگز به مکتبخانه نرفته بود بعد از آن دیدار شگفت انگیز می توانست تمام قرآن را از حفظ بخواند. تواناییهای دیگری

هم در زمینه علوم قرآنی به وی عطا شده بود که شما می توانید با مراجعه به کتاب زندگینامه آنمرحوم از آنها مطلع شوید.

در نوع چهارم؛ در این نوع، پیشگویان قدرت خود را از اساتید دریافت میکنند و این امر ممکن است که به صورت تصادفی باشد. یعنی ممکن است فردی بدون اینکه با این عوالم آشنا باشد با استادی ملاقات کند و وی این قدرت را به تشخیص خود به او اعطا کند. از این نوع اتفاقات در میان عرفا زیاد رخ داده است. بخصوص در آیین ذن که مکتبی ژاپنی چینی است اساتید گاهی اوقات جانشینان خود را به این شیوه انتخاب می کنند. مثلاً در تبت دالایی لاما جانشین خود را بر اساس بررسی روی نوزادان تا زه بدنیا آمده پسر انجام میدهند و هر نوزادی که لایق باشد، آن را به معبد منتقل کرده و تحت تعلیم قرار میدهند.

نوع پنجم؛ و اما در نوع آخر افراد با مراجعه به اساتید، تحت تعلیم قرار گرفته و بصورت تجربی اینکار را فرا می گیرند. در این نوع آموزش، استعداد اولیه شخص و میزان درک و فهم او از مسائل ماورایی سهم بسزایی در موفقیت وی دارد. سالها طول می کشد تا یک نفر بجایی برسد که بتواند با عالم بالا ارتباط پیدا کند و اقدام به پیشگوئی کند. در میان ملل قدیم معمولاً افراد را از دوران کودکی برای این کار انتخاب می کردند و نکته جالب این بود که در میان یونانیان و اسپارتهای بیشتر به زنان آموخته می شد تا مردان، و همانگونه که قبلاً عرض شد اسپارتهای بهترین دختران خود را در اختیار کاهنان معبد قرار میدادند و آنها روش پیشگوئی را به آنها می آموختند و هنگامی که پادشاه کار مهمی میخواست انجام بدهد حتماً با این پیشگوها که بنام اوراکیل خوانده میشدند مشورت می کرد.

## چگونگی انجام پیشگویی

بعد از اینکه چگونگی کسب قدرت توسط پیشگویان را شرح دادیم حال نوبت به چگونگی انجام عمل توسط آنها میرسد. پیشگویان ارتباط با عالم درون برای کسب اخبار غیبی را به شیوه های مختلف انجام میدهند. بعضی با استفاده از وسایل بخصوصی به انجام این کار مبادرت میکنند ، در حالیکه بسیاری از آنها نیز بدون اینکه از چیزی استفاده کنند تنها از طریق درون به اینکار مبادرت می ورزند . ما ابتدا به بررسی روشهایی می پردازیم که مبتنی بر ارتباط پیشگو با درون خود بوده و بدون بکارگیری وسیله خاصی است. این روشها هم بسیار متنوع هستند. و ما در حد حوصله این کتاب به آنها خواهیم پرداخت.

شکل اول- در این نوع از کار، پیشگویان بدون اینکه نیاز به وسیله ای داشته باشند و یا در حالت خاصی قرار بگیرند. فقط به محض دیدن کسی شروع به خبر دادن از آینده وی می کنند . در این حالت فقط خود پیشگو است که میداند چگونه و از کجا خبرهایی را که میدهد کسب میکند. بعضی از آنها اعلام میکنند که در این هنگام صدایی می شنوند که درباره آن افراد اخباری را به آنها بازگو می کند.

( این حالت برای اینجانب بسیار پیش آمده ، مثلاً چندی پیش هنگام مسابقه فوتبال بین تیمهای منچستر یونایتد و لیورپول ، تیم منچستر سیاه پوشیده بود و به محض اینکه مسابقه شروع شد، صدایی در گوش من گفت منچستر این بازی را می بازد زیرا رنگ لباسش سیاه است و این رنگ امروز برای این تیم شگون ندارد . )

شکل دوم : در این نوع از کار، پیشگو برای اینکه بتواند پیشگویی کند باید ابتدا در حالت خاصی که به آن تمرکز مطلق فکر ، خود هیپنوتیزم ، جذب و خلسه یا ذن می گویند قرار گیرد و ارتباط خود را با عالم دیگر برقرار کند تا بتواند درباره فرد مورد نظر پیشگوئی کند.

شکل سوم : در این نوع از اشکال پیشگوئی ، پیشگو با ارتباط با موجودات عوالم دیگر از آنها کسب اخبار کرده . این موجودات حقیقی بوده و در قرآن کریم از تعدادی از آنها مانند **جنیان** بصراحت نام برده شده است. وارد شدن به این مرحله بسیار خطرناک بوده و بدون داشتن مرشد و راهنما خطرهای زیادی در کمین افراد است.

شکل چهارم:

در اینحالت پیشگو برای پیشگویی از اعضای بدن فرد استفاده می کند. مانند کف بینی در این نوع پیشگو اعتقاد بر این است که جسم ما تجلیات روح را به نمایش می گذارد و از این طریق می توان از اخبار حال و آینده درباره افراد باخبر شد.

شکل پنجم

در این نوع پیشگویی با کمک گرفتن از وسایلی مانند، ورقهای بازی ، کارت‌های تاروت، فنجان قهوه وچای ( که حاوی ته نشین مواد مذکور است) و دهها و صدها وسیله دیگر انجام می شود. گاهی نیز از استخوان مردگان، ظروف پرآب، نگاه کردن به آتش شعله ورشده و برای انجام اینکار بهره می جویند. تعداد روشها به اندازه ای است که امکان نام بردن همه آنها در این مختصر نیست اما بدانید که همه اینها فقط وسیله ای برای برقراری ارتباط است.

## شکل ششم

گاهی نیز پیشگویان برای انجام این کار از عوامل طبیعی استفاده می کنند ، مثلاً با نگاه کردن به ابرهای آسمان، حرکت پرندگان، صدای جانوران، وضعیت جوی و چیزهایی مانند آنها درباره افراد یا موضوع خاصی به پیشگوئی می پردازند . گاهی نیز از رویاهایی که خود یا افراد دیگر می بینند درباره اتفاقات آینده پیشگوئی می کنند . حتی گاهی هم در محلی ایستاده و از شکل و قیافه رهگذران و یا سخنان آنها درباره آینده سخن میگویند.

## شکل هفتم

پیشگویی بر اساس علم نجوم است . یعنی در این نوع از کار پیشگویان که منجم هم هستند با توجه به وضعیت ماه و خورشید و ستارگان و نحوه قرار گرفتن آنها در بروج ۱۲ گانه و مطابقت طالع افراد با نکات یاد شده اقدام به پیشگویی می کنند. این روش پایه و اساس بسیار مستحکم علمی داشته و ما در دوره آموزش نجوم احکامی آن را آموزش می دهیم.

## شکل هشتم

نوعی از پیشگویی وجود دارد که افراد با استخاره گرفتن بوسیله تسبیح یا کتب مذهبی اقدام به اینکار می کنند .البته ممکن است بعضی استخاره را پیشگویی به حساب نیاورند. اما ما معتقدیم اینکار هم نوعی پیشگویی است.

## شکل نهم

گاهی نیز روشهایی در بین خانواده ها از قدیم الایام مرسوم است و آنها نسل اندر نسل به آن طریق درباره آینده اقدام به پیشگویی می کنند .این عمل در بین تمام ملل وجود دارد .حتی در دین یهود رسماً نوع خاصی از سنگها را برای اینکار مورد استفاده قرار می دهند.

## شکل دهم

دو روش مهم نیز برای پیشگویی هست که ما ترجیح دادیم به علت اهمیتی که دارند در آخر این بخش به آنها پردازیم. این دو روش یا سیستم، علوم ( جفر و رمل ) هستند( چون این کتاب درباره مستحصله جفر است لذا نمی توانیم به علم رمل پردازیم.

## ساخت سطر مستحصله

چگونه سطر مستحصله ساخته می شود؟

قبلاً توضیح دادیم که مستحصله کاملاً الهامی بوده و هیچ فرمولی ندارد. با فرض قبول اینکه این مطلب سوالهای زیادی مطرح می شود از جمله اینکه :

اگر الهام است ، چطور می توان این الهام را تشخیص داد؟ از کجا بفهمیم که این الهام صحیح است ؟ چگونه می توان حروف مستحصله را تشخیص داده و آنها را استخراج کرد؟ به این پرسشها و سوالات دیگر در دوره کامل آموزش علم جفر پاسخ داده می شود ؛ اما در اینجا هم به صورت کلی به آنها می پردازیم تا شما از چندو چون کار آگاه شوید. اما قبل از آن برای درک درست الهام در جفر و اینکه این الهام به چی شکلی است، یک مثال را در چند حالت و برای روشن شدن مطلب می آوریم تا برای شما روشن شود که معنی و مفهوم الهام چیست؟ سپس توضیح می دهیم که چگونه می توان این الهام را قانون مند کرد . برای شروع همان مثال معروف در جفر ساده را می آوریم . سوال ما این بود خدا کیست؟

اولین پاسخ که بوسیله الهام می توانیم از این سوال استخراج کنیم این است که از خود حروف سوال جواب بگیریم . پس خدا را می نویسیم و کلمه بعدی را جابجا می کنیم . به این شکل خدا یکست.

الهام یعنی این ، حال نوع دیگر

این بار نقطه حرف (خ) را بر می داریم و این جواب را بدست می آوریم : احد یکست . یعنی خدا احد و یکتا و بی همتاست.

حال این سوال را به شیوه سنتی مطرح می کنیم.

سوال : خدا کیست؟

جمع اعداد حروف : ۱۰۹۵

جمع حروف : ۷

جمع نقاط حروف : ۵

حال اعداد را به حرف تبدیل می کنیم می شود. ه ص غ ز ه

در مرحله بعد حروف را ملفوظی می کنیم به این شکل : ه ا ص ا د غ ی ن ز ا ه ا

سپس نظیره حروف را هم زیرشان می نویسیم . به این شکل

اساس	ه	ا	ص	ا	د	غ	ی	ن	ز	ا	ه	ا
نظیره	ق	س	د	س	ص	ن	خ	غ	ش	س	ق	س

حال می توانیم به صورت الهامی از این دو سطر جواب استخراج کنیم . به این صورت

خدا، شاه صادق ، غنی دان – سخن از این ، اینها پاسخهایی بود که در میان حروف اساس و نظیره وجود داشت و ما فقط آنها را یافتیم و بیرون کشیدیم . این روش را ( زبان حروف ) می نامیم و در دوره آموزش جفر پانزده سطری به تفصیل درباره آن شرح دادیم . حال اگر بخواهیم می توانیم به شکل دیگری هم پاسخ را استخراج کنیم . برای این کار مکررات حروف را حذف کرده و برای هر حرف از دایره ایقغ مستحصله می گیریم . به شکلی که در صفحه بعد توضیح خواهم داد.

## استخراج مستحصله از دایره ایقغ

این کار را می توانیم هم برای حروف اساس و هم نظیره انجام دهیم . اینجا با حروف نظیره پاسخ را استخراج میکنیم . ابتدا مکررات حروف را حذف می کنیم و سپس برای هر حرف از دایره ایقغ مستحصله می گیریم.

ش	غ	خ	ن	ص	د	س	ق	اساس
ج	ا	و	ث	ظ	م	خ	غ	قوای ایقغ
ل	ی	س	ه	ط	ت	و	ا	قوای ایقغ
	ق						ی	قوای ایقغ
ش	ق	خ		ص	م	و	ی	پاسخ

شرح جواب : شخص قیوم ( قیوم یکی از اسماء الهی است)

این هم یک روش الهامی از جفر بود . حال به توضیحات بعدی توجه کنید.



چگونه حروف مستحاصله را بیابیم؟

قبلاً گفتیم که مستحاصله یعنی جواب، حال سوال این است : ما از کجا تشخیص بدیم که کدام حرف پاسخ سوال است و این جواب را از کجا باید استخراج کنیم ؟ این مطلبی است که جفاران قدیمی هرگز آن را در کتابهای خود برای مردم فاش نمی کردند، اما ما اینکار را می کنیم تا شما به راز استخراج حروف مستحاصله آگاه شوید. اما این راز آنقدر ساده است که شاید شما با شنیدن آن در درستی آن هم شک کنید، با این وجود بدانید هرچه که در این رابطه عرض می کنیم حقیقت است و جز حقیقت نیست . وقتی که سوالی طرح شده و سطر اساس و نظیره آن هم ساخته شد، در مرحله بعد نوبت استخراج حروف مستحاصله است.

هر سوالی در قالب حروف اساس و نظیره مطرح می شود. در مرحله بعد باید برای هر حرفی از حروف نظیره یک حرف که قرار است حاوی جواب باشد استخراج گردد. تعداد حروف سوال هر چند تا که باشد جواب هم باید به همان تعداد حروف سوال باشد ، حال ممکن است پاسخ در قالب چند کلمه کوتاه یا بلند به دست آید. مثلاً ممکن است یک کلمه دو حرفی و یک چهار حرفی و دیگری سه حرفی باشد . مجموع اینها یک عبارت کوتاه یا بلند را و یا حتی یک مصرع یا یک بیت شعر را تشکیل می دهد که پاسخ سوال ماست . تمام سختی کار در شناخت و استخراج همین حروف است که جان جفاران را بر لب می آورد. در صفحه بعد نحوه شناخت و استخراج حروف مستحاصله را برای شما بازگو می کنیم . اما قبل از آن به قرار و مدار یک جفار باضمیر باطنش می پردازیم.

قرارهای یک جفار با خودش

یک جفار قبل از این که به سراغ فراگیری یا استفاده از فرمول یا قاعده استخراج حروف مستحاصله برود باید تکلیف چند مطلب را با خودش مشخص کند. این مطالب چیستند؟ قبل از اینکه به این سوال پاسخ دهیم به این مطلب کوتاه هم توجه کنید.

مکرراً توضیح دادیم که استخراج حروف مستحاصله بر اساس الهام است. حال پرسش این است: این الهام از کجا می آید و چگونه باید آن را دریافت کرد؟ پاسخ این است:

الهام از ضمیر باطن سرچشمه می گیرد. لذا یک جفار باید قبل از هر چیز با طی یک دوره ریاضت و ذکر و خود هیپنوتیزم، بین خود و ذهن ناخود آگاهش ارتباط برقرار کند. بعد از اینکه این ارتباط برقرار شد، حال باید با ضمیر باطن خود قرار بگذارد.

قرار با ضمیر باطن

پاسخ سوال را ضمیر باطن می دهد. ولی ما میتوانیم آن را هدایت کنیم که آن پاسخ را در یک کانالی که ما طراحی می کنیم جاری سازد و در این مرحله است که قواعد استخراج حروف مستحاصله متولد می شود. این کار هم مرحله به مرحله انجام می شود.

مرحله اول: مشخص کردن شیوه استخراج حروف مستحاصله است. به بیان دیگر یافت حروف مستحاصله، چون قبلاً توضیح دادیم که هیچ قاعده ای برای اینکار وجود ندارد. پس چه باید کرد؟ حال نوبت آن رسیده که آن راز بزرگ را فاش کنیم.

آن راز بزرگ این است: این شما هستید که فرمول را می سازید. به عبارت دیگر این شما هستید که تعیین می کنید کدام حرف مستحاصله باشد. چگونه؟ روشش را در هین چند صفحه قبل به شما نشان دادیم. مثلاً شخصی با ذهن خود قرار می گذارد که مستحاصله حروفش را از دایره ایقغ استخراج کند. بنابراین وی برای هر حرف اساس و نظیره، سه قوا دارد که جمعاً شش حرف می شود

پس باید یکی از این شش حرف مستحاصله باشد . در اینجا الهام به شما می گوید که کدام حرف مستحاصله است. در واقع شما ضمیر باطن خود را مقید کرده اید که از بین این شش حرف یکی را به عنوان مستحاصله انتخاب کند . این همان الهام قانون مند است . شکل کلی کار همین است ، اما ریزه کاریهایی دارد که باید به آن واقف شوید . در اینجا قدم اول را برای ساختن یک روش برداشتید . حال به سراغ قدم دوم می رویم.

## قدم دوم

بعد از اینکه مشخص کردید ضمیر باطن شما در چه محدوده ای به شما الهام کند ، حال باید کانال یا حالتی را مشخص کنید که ضمیر باطن شما پاسخ را از طریق آن کانال اعلام کند.

اگر شما کتب جفری را مطالعه کرده باشید، حتماً دیده اید که در یک روش استاد جواب را استخراج کرده سپس نظیره گرفته و از راست به چپ یا چپ به راست و یا یکی در میان پاسخ را به نمایش گذاشته است. تا امروز نمی دانستید که چگونه این مراحل صورت می گیرد . اما حال من به شما می گویم : این حالتها را خود جفاران می سازند ؛ این کار فقط برای زیبا کردن روش صورت می گیرد و بس.

مثلاً شما با ضمیر باطن خود قرار می گذارید که پاسخ را به صورتی به شما الهام کند که از آن نظیره بگیریید و از راست به چپ یا بالعکس آن را بخوانید. تمام این امور به دست خود جفاران صورت می گیرد. در مرحله آخر هم باید قانون دوستی و دشمنی حروف را رعایت کنید تا حروف بامعنی و پشت سر هم استخراج شوند.

تمام رازی که هزاران سال مخفی بود الان آشکار شد و شما می توانید همین الان برای خود چندین قاعده بسازید و شروع به استخراج پاسخ سوالات بکنید. البته موفقیت در این امر یک شبه اتفاق

نمی افتد اما انسان به اندازه سعی و تلاشی که میکند پاداش می گیرد. ما در این کتاب فقط می توانیم کلیات را برای شما شرح دهیم؛ زیرا توضیح مستحصله هر روشی در قالب آموزش آن روش امکان دارد. ضمناً این را هم بدانید که ممکن است حتی برخی از سوالات به روش خاصی جواب بدهند و با هر روش و قاعده ای سازگار نباشند.

## قدم آخر

قدم آخر این است که جفار باید قبل از تمام این کارها ذکر مخصوص به خود را بگیرد و تمرین کند و خود را و ذهن ناخودآگاه خویش را شرطی کند تا هنگام استخراج جواب در حالت تمرکزی و شبیه به خود هیپنوتیزم قرار داشته و الهامات درونی را دریافت کند.

بعد از اینکه تمام این کارها را انجام دادید، حال نوبت آن می رسد که سوال خود را مطرح سازید. بعد از اینکه سطر اساس و نظیره را ساختید، الگو و قالب استخراج جواب را مشخص کرده و قرار خود با ضمیر باطن را به او گوشزد نموده و با استفاده از قانون دوستی و دشمنی حروف ( این موضوع خیلی مهم است) شروع به استخراج حروف می کنید. حرف اول که استخراج شد خود نشان دهنده این است که بقیه حروف باید چه باشند. یعنی اینکه وقتی حرف اول شما (خ) باشد و قرار شما هم با ضمیر باطن این باشد که هر حرف را مستقیم و از راست به چپ به عنوان مستحصله انتخاب کرده و به کار ببرید، حال باید تعیین کنید که کلمه اول شما چند حرفی باشد، تعیین کلمه هم کرده باشید، مشخص است که چه کلماتی با این حرف شروع می شود، با توجه به سوال استخراج حروف را ادامه دهید. توضیح کامل تمام این مسائل در شرح مستحصله جفر پانزده سطری می باشد. بعد از طی دوره شما یک جفار و قاعده ساز حقیقی خواهید شد. اما اساس مطلب همین است که در این کتاب بیان شد. یعنی مردم برای دانستن این قواعد است که باید میلیونها تومان هزینه کنند و کلیاتش همین است که شما مطالعه می کنید.

در اینجا بحث مستحصله جفر به پایان می رسد و ما از این به بعد وارد آموزش روش استخراج حروف مستحصله از خانه های کتاب جفر جامع می شویم. آموزش اصلی را از کتاب بعدی شروع خواهیم کرد؛ اما در این کتاب نیز به مطالبی در این باره خواهیم پرداخت. به بحث بعدی توجه کنید.

پیش مقدمه روش استخراج حروف مستحصله از خانه های کتاب جفر جامع

تمام روشهای جفر سنتی تا مراحل کاملاً شبیه به هم دیگرند، و بهمین دلیل است که وقتی فردی در یک روش استاد می شود می تواند بقیه روشها را هم فرا بگیرد. زیرا فرق اساسی هر روش با روش دیگر در نوع استخراج حروف مستحصله و به دست آوردن جواب است. بقیه مراحل معمولاً شامل محاسباتی است که هر کودک دبستانی هم می تواند آنها را انجام دهد و در حال حاضر هم می توان برای هر محاسبه ای یک برنامه کامپیوتری نوشت و زحمت حساب و کتاب اعداد را هم از روی دوش علامه مندان به فراگیری این علم برداشت؛ مثلاً در روش پانزده سطری، محاسبات تا سطر سیزدهم را می توان فرمولی کرد، اما هرگز نمی توان برنامه ای ساخت که موفق به استخراج حروف مستحصله برای هر سوالی بشود. بنابراین هرگاه با این تبلیغ مواجه شدید که کسی در اینترنت یا به هر روش دیگری مدعی می شود که فرمول استخراج مستحصله را می داند و آن را تبدیل به برنامه کامپیوتری کرده است بدانید که دروغ می گوید.

در میان جفاران اینگونه مطرح شده که قواعد جفر را فقط به نام مستحصله نام می برند؛ زیرا همانگونه که قبلاً متذکر شدیم فقط روش استخراج مستحصله است که مهم بوده و بقیه مسائل چندان اهمیتی ندارند. در هر روشی از جفر هم سازنده آن، قاعده طریفه پیدا کردن حروف مستحصله را برپایه مشخصی بنا کرده است و آن روش بنام همان پایه و اساس معروف می شود. در روش استخراج از کتاب جفر جامع هم چون اساس قاعده بر مبنای استخراج حروف ازخانه های

آن کتاب استبه همین اسم معروف شده است. البته همانطور که قبلاً گفته شد، برای استخراج حروف مستحاصله لازم نیست شما به خود کتاب جفر جامع مراجعه کنید. در صفحه بعد، به کلیات کامل این کار پرداخته ایم.

کلیات روش استخراج حروف مستحاصله بر اساس خانه های کتاب جفر جامع

هر جفاری بر مبنای قاعده ای که از استاد خویش فراگرفته و یا خود ابداع کرده است، استخراج حروف مستحاصله را بر مبنای سیستم و روش مشخصی انجام می دهد. هر سیستمی هم، یا بر مبنای محاسبات عددی برای رسیدن به حرف مورد نظر بنا شده و یا اینکه از روابط بین خود حروف برای رسیدن به جواب بهره می برد. حال برای اینکه شما با چگونگی اینکار به خوبی آشنا شوید، من در این باره بیشتر توضیح می دهم.

فرض کنید شخصی روش استخراج حروف مستحاصله خود را بر مبنای دایره (عناصر) یا (اهطم) قرار داده است. پس وی تمام حروف جواب خود را باید از این دایره استخراج کند. حال وی می تواند از بین روش عددی یا حرفی، یکی را برای این کار انتخاب کند. فرد مورد نظر ما، هر کدام از این دو روش محاسبه را که برگزیند باید برای آن اصول و قوانینی ابداع و مشخص کند. مثلاً می تواند با خود اینگونه قرار بگذارد که مستحاصله هر حرفی را از عنصر موافق یا متضاد آن حرف بگیرد. مثلاً متضاد حرف (الف) در دایره اهطم حرف (ج) است. زیرا حرف الف آتشی بوده و حرف جیم آبی است و این دو ضد یکدیگرند. بهمین شکل وی اصول مشخصی را برای سیستم خود قرار می گذارد و سپس در حین عمل اشکالات آن را رفع کرده و به مرور زمان آن را به روشی عالی تبدیل می کند. این راهی است که بنده برای ساختن روشهای جفری خود طی می کنم. البته ساخت و تکمیل هر روش ممکن است سالها به طول بکشد اما ارزش وقتی که روی آن می گذارید دارد.

حال شما را با مقدمات روش استخراج حروف مستحصله از خانه های جفر جامع آشنا می کنیم.

مقدمات اولیه

شما برای اینکه بتوانید از این روش به بهترین شکل استفاده کنید لازم است که در ابتدا مقدماتی چند را فراگیرید. این مقدمات را بنده در طی همین دو کتاب توضیح داده ام، اما در اینجا فقط به رئوس مطالب اشاره می کنم.

اولین مطلبی که شما باید به آن توجه کرده و اصول آن را بخوبی فرا گرفته باشید شناخت مستحصله جفر است، زیرا بدون داشتن شناخت درست از این مسئله به هیچ وجه قادر نخواهید بود با هیچکدام از روشهای جفر کار کنید.

دومین مطلب، آشنایی کامل با ساختار کتاب جفر جامع است که در جلد اول این کتاب آن را توضیح دادیم.

سومین مطلب؛ به درک درست مفاهیم ( جزو - صفحه - سط - خانه ) بر می گردد. زیرا اساس این روش بر همین چهار مفهوم استوار است.

چهارمین مطلب: که خیلی مهم است به آشنایی کامل شما و درک درست از فرمول حروف دوست و دشمن مربوط می شود. زیرا اگر این موضوع را خوب درک نکرده باشید. نمی توانید حروف را کنار هم قرار دهید. اینها مهمترین موضوعاتی هستند که شما باید به آن توجه ویژه داشته باشید. از بین موارد طرح شده بنده فقط درباره مفاهیم خانه های جفری توضیح می دهم. زیرا بقیه موارد را به تفصیل در کتب قبلی و منجمله جلد اول و کتاب شرح داده ایم.

اهمیت مفاهیم چهارگانه کتاب جفر جامع

در هر روش از جفر برای استخراج حروف مستحصله دو نکته مهم وجود دارد که باید به آن توجه کرد.

- روش استخراج حروف مستحصله

- میزان سنجش درستی حروف

روش استخراج راه را به شما نشان می دهد و میزان نیز مشخص می کند حروفی که به دست آورده اید درست هستند یا خیر . هر دوی این اصول را خود جفار مشخص و انتخاب می کند یا می سازد.

مثلاً در جفر پانزده سطری روش استخراج حروف مستحصله بر مبنای شمارش از حروف بوده و میزان سنجش درستی حروف هم شمارش از حرف ( الف ) در دایره انسخ است . اما در روش استخراج از خانه های کتاب جفر جامع این موضوع به طور کلی فرق می کند. در این روش مستحصله ها یا به طور کامل و به صورت ترکیبات چهار حرفی از خانه های مشخص و مستقل استخراج می شود و یا در قالب دو حرف یا یک حرف و برمبنای استخراج مستحصله برای حروف جزو یا صفحه یا سطر یا خانه صورت می پذیرد.

اگر شما از روش استخراج یک خانه به طور کامل استفاده می کنید پس باید خانه حروف سوال به خانه حروف جواب مرتبط باشد . به بیان ساده باید دلیلی داشته باشید که چرا فلان خانه را بعنوان جواب انتخاب کردید . اگر هم از روش یافتن حروف مستحصله برای جزو و صفحه و مانند آن استفاده می کنید ، پس باید باز بایک قاعده مشخصی اینکار را انجام داده و مشخص کنید که چرا فلان حرف را بعنوان مستحصله انتخاب کرده اید . این نکات خیلی مهم بوده و اساس ابداع یک روش برای استخراج حروف مستحصله است.



یک روش استخراج پاسخ سوال از خانه های کتاب جفر جامع

حال برای اینکه شما مطلب را بهتر متوجه بشوید یک مثال طرح می کنیم تا در حین عمل با قواعد استخراج حروف بهتر آشنا شوید.

مثال ما همان سوال درباره خداوند است . پرسش ما این بود : خدا کیست؟ قبلاً توضیح دادیم که یک حرف به حرف آخر از زیر و بینه اضافه می کنیم تا تعداد حروف زوج شود . پس حروف سوال ما عبارت خواهند بود از : خ د ا ک ی س ت ا

حال برای استخراج از صفحات و خانه های کتاب جفر جامع ابتدا حروف سوال را دوبرو از هم جدا می کنیم . به این شکل

حال برای حروف جزو صفحه و برای حروف سطر خانه استخراج کنیم . در نهایت ۴ خانه خواهیم داشت که درون هر کدام باید یک کلمه با عین ساخته شود که پاسخ سوال ما باشد.

جزو	صفحه	سطر	خانه
خ		د	
ا		ک	
ی		س	
ت		ا	

تعداد حروف ما ۸ عدد است و حروف جواب باید ۱۶ حرف باشند، به بیان دیگر ، ما ۸ حرف پیدا می کنیم و درون خانه های جدول قرار می دهیم تا حروف سوال ما را کامل سازند. در جدول ذیل شما شکل کامل شده پاسخ را ملاحظه می کنید از آنجایی که این یک دوره آموزشی است لذا بنده درباره چگونگی استخراج حروف جواب هیچ توضیحی نمی دهم تا شما فکر کنید ببینید این حروف از کجا بدست آمده است. توضیح کامل این روش را در جلد سوم آورده ایم. اما قبل از آنکه فوراً به آن کتاب مراجعه کنید تا بدانید این حروف از کجا آمده اند من از شما می خواهم چند روزی را به فکر کردن اختصاص دهید تا ذهن خود را درگیر کارسازید. حال به خود جواب هم دقت کنید: بخدا- اکبر - اسمی - توان

توضیح :

نزدیکترین پاسخ در این روش که بعداً برای شما توضیح خواهم داد این کلمات است که استخراج شده و چون ما سوال کردیم خدا کیست؟ جفر جواب می دهد خدا کابر است ( اشاره به الله اکبر) حال به نمونه دوم توجه کنید.

مثال دوم :

در اینجا هم مبنای کار به همان شکل است . اما به جای اینکه ۱۶ حرف به دست آوریم ، پاسخ ما باید به تعداد حروف سوال باشد. یعنی اگر حروف سوال ۸ حرف هستند ، پس حروف پاسخ هم باید به همان تعداد باشند . بنابراین حروفی که برای صفحه و خانه استخراج می کنیم جواب ما را تشکیل می دهند . به این شکل:

جزو	صفحه	سطر	خانه
خ	ا	د	م
ا	ب	ک	ی
ی	ا	س	ر
ت	و	ا	ن

حال حروف به دست آمده را از جدول بیرون کشیده و با هم ترکیب می کنیم تا جواب خود را دریافت کنیم.

حروف عبارتند از : ا م ب ی ا ر و ن

ترکیب : نام وی رب

توضیح : در اصل حروف سوال ما ۷ حرف بودند ( در ابتدا) پس در اینجا یکی از حروف ( الف ) را تکراری است طرح کردیم و جواب ما بهتر پدیدار شد.

یکی از اسماء الهی نام مقدس ( رب ) است که در اینجا استخراج شد. در کتاب سوم طریقه به دست آوردن حروف جواب را توضیح داده ایم. در اینجا کتاب دوم هم به پایان می رسد. موفق باشید

